

Reasons and Types of Imam Reza's (AS) Emphasis on the Imamate of Javadalaemah (AS)

Zohreh Akhavan Moghaddam 

Associate Professor, Department of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Education, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

The life of Imam Javad (a.s.) is distinguished from other imams due to some phenomena; Because during the era of his noble father and grandfather, beliefs were created among the Shiites that deviated some people from the truth and led them to falsehood and caused them to not accept his Imamate and created doubts in this context. The present article deals with the behavior of Imam Reza (a.s.) in a descriptive-analytical manner, while enumerating the doubts entered in this matter, and the typology of his confrontation in dealing with the doubts. The research showed that the three currents of "waqf" thinking since the time of the 7th Imam, in the sense of "the end of the Imamate in the province of Imam Kazim (a.s.)" on the one hand, "creating doubts about the sterility of Imam Reza (a.s.)" on the other hand, and also, "Imam Javad (a.s.) was seven years old at the time of his father's martyrdom", greatly caused doubts among the Shiites, and this required the necessary grounding by the eighth Imam. Imam Reza (a.s.) with the news about the birth of Imam Javad (a.s.), Rejecting the doubts of Waqfiyyah with Quranic and rational reasons and other examples, they sought to answer the doubts of interpreting the Qur'an to the Qur'an is the only method of the Ahl al-Bayt. peace be upon him and it should be considered one of the characteristics of the Shia religion.

Keywords: Imam Reza (Pbuh), Waqfiyyah, Imamate, Text, Mahdavit.

* Corresponding Author: dr.zo.akhavan@gmail.com

How to Cite: Akhavan Moghaddam, Zohreh. (2023). Reasons and Types of Imam Reza's (AS) Emphasis on the Imamate of Javadalaemah (AS). *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Kalam*. 4 (6). 149-185.




پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه

دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ۱۴۹-۱۸۵

jst.atu.ac.ir

DOI: 10.22054/JCST.2022.69044.1088

علل و گونه‌های تأکید امام رضا(ع) بر امامت جواد الائمه(ع)

زهرة اخوان مقدم *  دانشیار گروه علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

حیات امام جواد(ع) به سبب پدیده‌هایی، از دیگر امامان ممتاز است؛ زیرا در عصر پدر و جد بزرگوارش، عقایدی در بین شیعیان ایجاد شد که عده‌ای را از حق منحرف کرد و آنان را به باطل کشاند و موجب نپذیرفتن امامت ایشان گردید و شبهاتی را در این زمینه به وجود آورد. مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی، ضمن برشمردن شبهات وارد شده در این امر، به رفتار امام رضا(ع) و گونه‌شناسی مقابله ایشان در برخورد با شبهات می‌پردازد. تحقیقات نشان داد که سه جریان تفکر «وقف» از زمان امام هفتم، به معنای «پایان یافتن امامت در ولایت امام کاظم(ع)» از یک سو، «ایجاد شبهه برای عقیم بودن امام رضا(ع)» از سوی دیگر، و نیز «هفت سالگی امام جواد(ع) در هنگام شهادت پدر»، به شدت موجب تردید در بین شیعیان شد و این امر، زمینه‌سازی لازم را به وسیله امام هشتم می‌طلبید. امام رضا(ع) با گونه‌هایی همچون بشارت درباره ولادت امام جواد(ع)، معرفی و نص بر امامت جواد الائمه(ع) به عنوان امام بعدی، رضایت به انجام «قیافه‌شناسی»، ارجاع شیعیان به امام جواد(ع) در پاسخ به سؤالات، رد شبهات واقفیه با دلایل قرآنی و عقلی و نمونه‌های دیگر، در پی پاسخ‌گویی به شبهات برآمدند.

کلیدواژه‌ها: امام رضا(ع)، واقفیه، امامت، نص، مهدویت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

ائمه معصوم اگرچه همگی نور واحد هستند، ولی هریک در زندگی خویش، به واسطه شرایط معاصر اجتماعی، دینی و فرهنگی ویژه، عملکردی متفاوت ارائه نموده‌اند. این تعامل‌ها و رفتارهای گوناگون، صرف نظر از بُعد لزوم آن به سبب الگوبرداری مردم، از حیث تاریخی و شناخت گفتمان‌های عقلی و نقلی که در علم کلام شیعه به وضوح و روشنی مطرح و منقح شده، نیاز به نص صریح دارد. این نصوص که حاکی از انتخاب پروردگار می‌باشد، ابتدا از سوی پیامبر اکرم (ص) که واسطه خالق و مخلوق است و بعداً از سوی هر امام، نسبت به امام بعد از خود بیان می‌شود. یکی از این موارد، تأکیدهای امام هشتم بر امامت فرزندشان امام محمدبن علی الجواد^(ع) به صورتی ویژه است. درباره امامت امام نهم، در گفتار دیگر معصومان، به ویژه پدر بزرگوارشان تأکید ویژه به چشم می‌خورد. این عملکرد متفاوت از سوی امام هشتم، به سبب وجود انکارهای موجود در جامعه و نیز کارشکنی‌های مخالفان و منافقان صورت گرفته است و شناخت علل آن، نیاز به مطالعه عصر امام رضا^(ع) و آگاهی از اوضاع و احوال شیعیان در آن دوره دارد. در مقاله حاضر، به این نکته و جریان‌شناسی آن و نیز علل، عوامل و انگیزه‌های این تأکید پرداخته خواهد شد.

گفتنی است اگرچه امامان شیعه^(ع)، حتی در بین شیعیان آن طور که باید شناخته نشده‌اند، اما این غربت، درباره ائمه پس از امام رضا^(ع) که به ابن‌الرضا معروفند، بیشتر است. این در حالی است که پیامبر اکرم پاداش شناخت و معرفت امامان را هم‌جواری با خود در بهشت برشمرده است و «عارفان» را به تاج «منا» مفتخر ساخته است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۱۸۱). شوربختانه امام جواد^(ع) را حتی شیعیانش کمتر می‌شناسند!

کتاب و مقالاتی در این راستا نگارش یافته که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. کتاب *الواقفیه، دراسة التحلیلیة*، نگارش ریاض محمد حبیب الناصری، مقالاتی همچون «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا^(ع)» به نویسندگی صفری فروشانی (۱۳۸۸)، «مهدویت در واقفیه و موضع‌گیری امام رضا^(ع)» اثر مظفری (۱۳۸۹)، «امام رضا و فرقه واقفیه» از صفری فروشانی (۱۳۹۱) و مقاله «امام رضا در مواجهه با اندیشه و عمل واقفیان» به نگارش حسن‌پور (۱۳۹۲) است. هدف اصلی مقاله حاضر، علل و گونه‌های تأکید امام رضا بر امامت امام جواد

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۵۲

است، اما با این حال فعالیت‌های امام دو جهت دارد. ایشان در یک جهت، نگاهی به گذشته و جریان واقفیه، و در جهتی دیگر، نگاه به آینده و شبهات مطرح شده پیرامون امامت امام جواد^(ع) دارند و به عبارتی، در یک نگاه کلان، در جهت اصلاح عقاید شیعیان در حوزه امامت هستند که این رویکرد متفاوت در مقالات پیشین نیامده است.

۱. زندگینامه امام جواد^(ع)

امام جواد^(ع)، محمد بن علی بن موسی الکاظم، نهمین اختر برج امامت و کواکب عصمت و طهارت، فرزند حضرت رضا^(ع) است که در روز ۱۰ رجب (یا جمعه ۱۹ رمضان)، سال ۱۹۵ هجری در شهر مدینه به دنیا آمد. ولادت او شادی فراوانی پدید آورد؛ زیرا پدر بزرگوارش آن هنگام چهل و دو ساله بود و تا آن زمان پسری نداشت. این ولادت، و پیشگویی‌های ائمه پیشین درباره آن و نیز وجود شرایط امامت در سن هفت سالگی حضرت جواد^(ع) به قدری عظمت آفرین است که برخی نام ایشان را «امام المعجزه» نهادند (ر.ک؛ کامل سلیمان، مقدمه). مادر با فضیلت او، همان بانویی است که چندین معصوم وی را به فضیلت، پاکی و نجابت ستوده‌اند. امام رضا^(ع) از قول پدرش، از پیامبر^(ص) نقل می‌کند که پدرم فدای پسر آن بانویی که بهترین کنیزان می‌باشد، دهان او از هر خباثت ظاهری و باطنی پاکیزه است و نجیبان را می‌زاید؛ زیرا پاکیزه‌رحم است... در آن قضیه‌ای که علی بن جعفر، عموی امام رضا^(ع) از قول ایشان نقل می‌کند: «بَكَى الرَّضَا^(ع) ثُمَّ قَالَ: يَا عَمُّ أَلَمْ تَسْمَعِ أَبِي وَهُوَ يَقُولُ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ^(ص) بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْأَمَاءِ ابْنِ النُّوبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ الْفَمِ الْمُنتَجَبَةِ الرَّحِمِ...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۶؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲۳). نام این مادر فرخنده، «سیکه» است که اهل «نوبیه» از مملکت حبشه در آفریقا بود و نسبش به «ماریه قبطیه»، همسر گرامی پیامبر اسلام می‌رسد. وی از افضل زنان عصر خود بود و به نام‌های دیگر چون «دُرّه»، «ریحانه»، «مَرِّسَه» و «خیزران» نیز نامیده شده است که هر کدام سبب و مصلحتی دارد (ر.ک؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۲۸۵). این بانو آن چنان مورد عنایت امام هفتم بود که ایشان وسیله یکی از یارانش به نام «یزید بن سلیط» بدو سلام می‌رساند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۳۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱۵ و عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱). همچنین، خود امام رضا^(ع) در کلامی که تفصیلش خواهد آمد، بر پاکی و قداست این بانو گواهی می‌دهد (ر.ک؛ ابن عبدالوهاب، بی تا: ۱۱۹ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۱۵). در هنگام ولادت، معجزات و

عجایی از ایشان دیده شد که پدرش امام هشتم در برابر تعجب خواهرش فرمود: شگفتی‌هایی که بعد از این از او خواهید دید، بسیار بیشتر از آن است که اکنون دیدید (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۹۴). لذا کرامات و علوم و پیشگویی‌هایی که از ایشان نقل شده، بسیار است و می‌تواند یکی از جهات برکت باشد که امام هشتم بارها فرزندش را به «مبارک بودن» ستود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۲۱ و مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۹۹). پیشوای نهم، پنج‌ساله بود که پدرش به دستور مأمون عباسی مجبور به ترک وطن و عازم خراسان گردید. دو سال بعد که جواد الائمه^(ع) در سن هفت‌سالگی می‌زیست، امام رضا^(ع) در روز آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسید (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۱، ج ۵: ۲۱۱-۲۲۳). محمد بن الرضا^(ع) از اول ربیع همان سال به خواست الهی ردای امامت پوشید و ۱۷ سال‌وآندی در این منصب بود.

مأمون پس از آنکه امام هشتم را به شهادت رساند، از مرو به بغداد رفت (ر.ک؛ طقوش، ۱۳۹۲: ۱۴۸) و اینک با سیاستی فریبنده دختر خود امّ فضل را به عقد امام جواد^(ع) درآورد، تا وی را به خوبی کنترل کند و از رفت و آمد شیعیان آگاه باشد (ر.ک؛ جعفریان، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۶). از این رو، بر اساس برخی از نقل‌ها، بلافاصله پس از ورود به بغداد و احتمالاً در سال ۲۰۴ قمری، امام را از مدینه به بغداد فراخواند (ر.ک؛ مرتضی، بی‌تا: ۶۵). از سوی دیگر، شیخ مفید معتقد است که مأمون شیفته جایگاه والای علمی امام شده بود (ر.ک؛ عطاردی قوچانی، ۲۰۱۲: ۴۶) و به همین سبب، دختر خود را به عقد امام درآورد، هر چند امام از امّ فضل صاحب فرزندی نشد (ر.ک؛ مسعودی، ۱۹۹۶: ۲۲۷) و از همسر دیگر خود صاحب فرزند شد. درباره علت احضار جواد الائمه به بغداد چنین گفته‌اند:

«از آنجا که امام جواد^(ع) به ظاهر کودک هفت‌سال و چندماهه بود، ورود مردم به مدینه از بیشتر شهرها آغاز شد، تا درباره جانشین امام رضا^(ع) بررسی شود. تاریخ به آمدن هشتاد رجل مشهور، آن هم فقط از بغداد گواهی می‌دهد. طبیعی بود که مقصد همه واردین، خانه امام هشتم باشد که از همان جا به تبعید رفته بود و همان منزل امام صادق^(ع) بود. ابتدا عبدالله بن موسی، پسر دوم امام هفتم که ادعای امامت داشت و پیرمردی بود، وارد شد. سپس با ورود جواد الائمه، جمعیت فراوانی به سبب صغر سن ایشان متعجب شدند. امتحان و اختبار آغاز شد و یکی از حضار از عبدالله سؤالی پرسید، ولی جواب غلط او غضب را در چهره امام نهم نشان داد، به طوری که عمورا به سبب گفتن "آنچه خدا نازل نکرده" توبیخ فرمود. عبدالله عذرخواهی و استغفار کرد و امام

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۵۴

جواب درست را بیان نمود. همه عالمان و فقیهان حاضر، هر سؤالی داشتند، پرسیدند و امام جواد بدون تأمل و تفکر، به سرعت جواب می‌داد. همه رفتند، در حالی که قانع بودند. حاکم مدینه، ماجرا را به مأمون گزارش داد و خلیفه دستور داد که ایشان به بغداد فرستاده شود» (مفید، ۲۰۰۹م: ۱۰۲).

زندگی مجلل در کنار مأمون و دخترش، امام را خوش نیامد و دوری از حرم رسول خدا او را می‌آزرد. لذا به قصد حج، بغداد را ترک گفت، سپس به مدینه بازگشت و همانجا ماند و می‌فرمود که گشایش من از آزار مأمون پس از سی ماه است (ر.ک؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۶۲). در سال ۲۱۸ هجری، مرگ مأمون فرارسید و برادرش معتصم به جای او نشست (ر.ک؛ طبری، بی تا، ج ۸: ۶۶۷). وی دو سال بعد در سال ۲۲۰ هجری، امام جواد^(ع) را به بغداد طلبید، تا از نزدیک مراقب فعالیت ایشان باشد. وی که بسیار ظالم و بدخو بود، مجالسی با حضور امام تشکیل می‌داد که همه آن‌ها به شرمندگی خودش و دانشمندانش انجامید. از این رو، درصدد قتل امام برآمد و در همان سال، پس از ده ماه‌وآندی سکونت در بغداد، ایشان را مسموم نمود. امام نهم در روز ۲۸ محرم یا آخر ذی‌القعدة سال ۲۲۰ هجری در سن ۲۵ سالگی به دست همسرش ام‌الفضل، دختر مأمون و خواهر معتصم، شهید شد و در مقابر قریش، در کنار جلد بزرگوارش دفن شد (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۸۱). کنیه ایشان ابو جعفر ثانی و القاب معروف ایشان عبارت است از: جواد، مرتضی، قانع، و تقی (ر.ک؛ قزوینی، ۱۴۲۶ق: ۱۸ به بعد).

۲. امام رضا^(ع) و فرق شیعه

دوران امامت امام هفتم و هشتم، خصوصاً دوران حضرت رضا^(ع) (۱۸۳-۲۰۳ق.) را می‌توان از حیث فعالیت‌های فرقه‌های درون‌شیعی بسیار پر رواج دانست. جریان‌های درون‌شیعی در این ایام عبارتند از: غالیان، زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه و واقفیه. اگرچه غالیان در این عصر هنوز فعال بودند، ولی مراحل اصلی تطور خود را گذرانده بودند. در عرصه‌های مختلف، مخالفت آنان با حضرت رضا^(ع) قابل مطالعه است، ولی مبارزات سرسختانه و شدت عمل ائمه، به‌ویژه حضرت صادق^(ع) و نصوص صریح از سوی اهل بیت درباره انحراف آنان موجب شده بود که باطل بودن اعتقادات آنان روشن باشد و به اندازه فرقه‌های دیگر، موجب انحراف نشوند (ر.ک؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۱۱ و صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۲۰). از همین رو، فعالیت اعتقادی

حضرت رضا^(ع) بر ردّ و تقیح آنان متمرکز نباشد و به سبب پایمال کردن همه هنجارهای تشیع از سوی آنان، نباید جزء فرقه‌های شیعه به حساب بیایند و فقط بستر ایجاد آنان «تشیع» بوده است. فرقه زیدیه نیز در این عصر فعال بود و بیشتر فعالیت آنان در بُعد نظامی خلاصه می‌شد. لذا موضع آنان در مسأله ولایت عهدی امام هشتم، همچنین موضع امام نسبت به قیام‌های آنان هدف این نوشتار نیست.

فرقه اسماعیلیه که سابقه‌شان کمتر بود و در عصر امام صادق^(ع) ایجاد شده بود، قائل به امامت اسماعیل، بزرگ‌ترین پسر امام ششم و مورد محبت ایشان بود (ر.ک؛ امین عاملی، بی‌تا، ج ۳: ۳۱۶ و نوبختی، ۲۰۱۷: ۹۸)، ولی در حیات پدر از دنیا رفت و حضرت صادق^(ع) در تشیع او چندین بار چهره‌اش را به همگان نشان داد، تا از شبهه نمردن او پیشگیری فرماید (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۲۱۰). با این حال، گروهی بدو ایمان آوردند.

فرقه بعدی، فطحیه است که ویژگی آنان، اعتقاد به امام کاظم^(ع) به عنوان امام هشتم می‌باشد. آنان به امامت عبدالله، معروف به «أفطح»، پسر بزرگ امام ششم قائل شدند که اعتقادات درستی نداشت و به مرجئه تمایل یافته بود (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ۵۵۴). دستاویز فطحیه، روایتی بود که امامت را در فرزند بزرگ هر امام منحصر می‌دانست (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۲۱۱). البته گروه فراوانی از شیعه، ابتدا به امامت عبدالله روی آوردند؛ زیرا ادعای امامت کرد، اما پس از امتحان وی، چون پاسخ صحیحی برای سؤالات خود نگرفتند، او را انکار کرده، به امامت موسی بن جعفر گرویدند (ر.ک؛ همان). عبدالله طبق پیش‌بینی پدرش، امام ششم، بیش از هفتاد روز زنده نماند (ر.ک؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق.، ج ۳: ۳۱۰) و اغلب معتقدانش به راه حق آمدند، ولی عده کمی جانشینی او را پذیرفتند، سپس به امامت حضرت کاظم^(ع) معتقد شدند. از این رو، در سلسله امامان آن‌ها که «فطحیه» نامیده می‌شوند، حضرت کاظم^(ع) امام هشتم، و حضرت رضا^(ع) امام نهم می‌شوند. آنچه برای این مقاله مهم است، اینکه ایشان نیز مشکلی برای امام رضا^(ع) نبودند؛ زیرا اولاً اگرچه با یک فاصله، ولی با امامت حضرت مخالفتی نداشتند و امامان را دوازده نفر از فرزندان امیرالمؤمنین^(ع) برشمرده، هیچ یک را انکار نمی‌کردند. ثانیاً در فروع فقهی با امامیه اختلافی نداشتند؛ زیرا امامشان عبدالله افطح، هیچ فتوایی ارائه نکرده بود. عمده در دسر امام هشتم، واقفیان بودند که علاوه بر نپذیرفتن امامت ایشان، در فروع فقهی نیز نظر داده و خطرناک‌ترین گروه برای از هم پاشیدن انسجام

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۵۶

شیعیان بودند. از همین رو، بیشترین فعالیت حضرت رضا^(ع) که موضوع این نوشتار است، ناظر به فرقه واقفیه می‌باشد^۱.

۳. شک‌کنندگان در امامت امام جواد^(ع)

از آنجا که طرح موضوع «امامت و رهبری» بزرگ‌ترین زمینه‌سازی برای استمرار هدایت مردم است، لذا پیامبر^(ص) به عنوان پرچمدار هدایت بشر، بر این موضوع از همان آغاز رسالت تأکید می‌کرد و نام و تعداد امامان پیوسته به اشکال مختلف مطرح می‌شد. اما در طول تاریخ شیعه، همواره این مسئله مهم به ترفندهای مختلف شیطانی، مورد هجوم، تردید یا انکار واقع می‌شد و این کارشکنی‌ها اختصاصی به امامت امام نهم نداشت، ولی در این عصر، به سبب دست‌به‌دست دادن چندین بهانه که به زودی خواهد آمد، شمار شکاکان بیشتر بود که آن‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود:

۱-۳. توقف‌کنندگان بر امام کاظم^(ع)

امام موسی^(ع) سال‌ها دور از شیعیان در زندان هارون به سر برد. همین مسئله موجب شد عده‌ای از شیعیان پس از شهادت ایشان به انحراف کشیده شده، گمان کنند که امام هفتم^(ع) از دنیا نرفته، بلکه غائب شده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۰). این گروه همچنان در تردید مانده، علاوه بر امامت حضرت رضا^(ع)، امامت امام جواد^(ع) را نیز نپذیرفتند.

۲-۳. معتقدان به امامت حضرت رضا^(ع) و توقف بر ایشان

برخی از شیعیان که پس از حل شبهه‌ها، از توقف بر موسی بن جعفر دست برداشته، به امامت علی بن موسی ایمان آورده بودند، ولی به سبب جهل و یا تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت، با بروز شبهه جدید، یعنی سن کم امام، در ایمان خود دچار تردید شدند و در امامت جوادالائمه شک کردند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۰۴).

۳-۳. معاندان و دشمنان از بنی‌امیه و بنی‌عباس

این گروه در دشمنی با آل رسول تلاشی دیرینه داشت و پیوسته علم انکار، عناد و مخالفت برافراشت و از هیچ نوع کارشکنی و دشمنی فروگذار نمی‌کردند. اگرچه اینان خود از معتقدان

به امامت و اساساً شیعه نبودند، ولی به هر حال، در بین نسل مورد بحث زندگی می کردند. ذکر ایشان در طبقه بندی، به سبب اهمیت رفتار و گفتار آنها و تشدید فعالیت آنان در تخریب افکار دو گروه دیگر حائز اهمیت است.

۴. خاستگاه‌های انکار امامت جواد الائمه^(ع)

دلایل و موجبات انکار امامت امام^(ع) را می توان در سه علت مهم خلاصه نمود.

۱-۴. ادامه جریان وقف

شاید در طول زندگی هیچ امامی به اندازه زندگی حضرت رضا^(ع) تأکید بر امامت امام پس از خود دیده نشود. این نکته به سبب ماجرای «وقف» است که از زمان شهادت پدر ایشان شروع شد و همچنان ادامه داشت. در این زمینه سخن خواهیم گفت.

۲-۴. بدون فرزند ماندن امام رضا^(ع) تا بعد از چهل سالگی

همه امامان در آغاز ازدواج و در دوران جوانی صاحب فرزند ذکور می شدند و از این لحاظ، دستاویزی برای دشمنان باقی نمی ماند. اما امام رضا^(ع) تا سال ۱۹۵ قمری و سن چهل و چند سالگی صاحب فرزند نشده بودند. از همین رو، جاهلان و منکران همین را بهانه کردند و با استناد به روایتی از امام صادق^(ع) که «امام نمی باید عقیم باشد» (بهبودی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸۲) می گفتند: «او امام نیست؛ زیرا اگر بود، باید نسلش باقی می ماند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۰۹).

۳-۴. کودکی امام جواد^(ع) هنگام رحلت پدر

دیگر منشاء شک مشککان، سن کم جواد الائمه^(ع) در هنگام شهادت پدر بزرگوارشان بود؛ زیرا چنان که گفته شد، ایشان تنها هفت سال داشت. تذکر یک نکته ضرورت دارد و آن اینکه چه بسا بتوان علت دوم و سوم را نتیجه و دستاورد علت اول دانست؛ به عبارت دیگر، زمینه دستاویز قرار دادن این دو علت، همان جریان واقفیه است، ولی به سبب لزوم طبقه بندی بحث و نیز

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۵۸

گونه‌شناسی تمهیدها و تأکیدهای امام رضا^(ع) نسبت به هریک از زمینه‌ها و خاستگاه‌های فوق، تفکیک آن‌ها لازم می‌آید.

۵. تمهید امام رضا^(ع) در تخریب سه سنگر مخالف با عکس‌العمل متناسب

طبق وظیفه الهی، حضرت رضا^(ع) برای هدایت شیعیان از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکردند و در برابر هریک از سه خاستگاه فوق، عکس‌العمل متناسبی ارائه فرمود.

چنانچه در مقدمه گذشت، نسبت به امامت حضرت جواد^(ع) در بین دیگر ائمه معصوم^(ع) تأکید مضاعف به چشم می‌خورد. امامت در بین شیعیان، یک منصب الهی است و مردم در انتخاب امام نقشی نداشتند و باید این انتخاب و انتصاب از سوی پروردگار عالم انجام شود. بر این مهم، در نصوص متعدد شیعی تصریح و تأکید شده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۱۸۵ و ۲۸۶)؛ از جمله اینکه حضرت رضا^(ع) در روایت معروف خویش می‌فرماید: «مردم کجا و انتخاب امام کجا؟ مردم جاهل چگونه با آرای خود می‌توانند امام را انتخاب کنند، حال آنکه امام جایگاه انبیا، ارث اوصیا، خلافت خداوند و جانشینی رسول اوست» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۲۰۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۵: ۱۲۲). بنابراین، یکی از شروط وقوع امامت، نص صریح و روشن از سوی معصومان پیشین است، تا دلالتی بر انتصاب الهی باشد. نصوص ناظر بر امامت ائمه معصوم^(ع) در مکتب شیعه بسیار است و اولین کتاب از کتب اربعه شیعه، تعدادی از آن‌ها را در بابی با عنوان «ما نصَّ اللهُ عزَّ وَّجلُّ و رسولهُ علی الأئمةِ واحداً فواحداً» گرد آورده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۲۸۶ به بعد). در کتب روایی شیعه، نصوص و تأکیدهای مستقیم و غیرمستقیم که ناظر بر امامت امام نهم باشد و از سوی پیامبر^(ص) و همه معصومان صادر شده باشد، فراوان است، اما آنچه فقط از سوی امام هشتم صادر شده، برای مبارزه با سه خاستگاه فوق است.

ابتدا این اقدام‌ها را در سه گروه کلی طبقه‌بندی نموده، سپس در بند ششم مقاله، بخش گونه‌شناسی، مصادیقی از آن‌ها ارائه می‌دهیم.

۱-۵. تأکید امام رضا^(ع) بر امامت خویش در برابر شبهه وقف (مبارزه با منشاء

اوّل)

گروهی از شیعیان بعد از شهادت امام کاظم^(ع) به دلایل مختلف معتقد شدند که ائمه کمتر از دوازده نفرند. آنان که «واقفیه» نام گرفتند، امامت را در هفت مورد خاتمه دادند. البته مسئله وقف در امامان پیشین هم مطرح بود (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۰۱-۱۰۳ و شهرستانی، ۱۹۹۵م: ۱۴۷)، ولی غالباً مراد از فرقه «واقفیه» کسانی هستند که در موسی بن جعفر^(ع) توقف نموده، ولایت پنج امام بعدی را نپذیرفتند (ر.ک؛ نوبختی، ۲۰۱۷م: ۸۲). برای روشن شدن مسئله وقف که در انکار امامت حضرت جواد^(ع) مدخلیت دارد، در حد امکان آن را می‌کاویم.

۵-۱-۱. وقف در لغت و اصطلاح

«وقف» در لغت، مصدر ثلاثی مجرد از «وَقَّفَ يَقِفُ» به معنای «توقف کردن و ایستادن» است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳: ۱۸۱). «واقف» که اسم فاعل از این واژه است، در اصطلاح شیعه‌شناسی، بر کسانی اطلاق می‌شود که جز بر امام دوازدهم که سلسله امامت در ایشان متوقف می‌شود، بر یکی از امامان توقف نموده و به دلایلی از پذیرفتن امامت امام بعدی استکفاف می‌کنند (ر.ک؛ شهرستانی، ۱۹۹۵م: ۱۴۷ و بغدادی، ۱۹۸۷م: ۵۹).

۵-۱-۲. جریان‌شناسی «وقف»

سلسله امامت شیعه طبق نصوص فراوان نبوی و ولوی به امام عصر^(عج) منتهی می‌شود. اما بر اساس جریان‌های درون‌شیعی منحرف، پیوسته گروه‌هایی به وجود آمدند که بر امامان دیگر توقف نموده، امامت را به آنان منتهی ساختند؛ به عنوان نمونه، فرقه سبائیه بر حضرت علی^(ع) (ر.ک؛ اشعری، ۱۴۰۸م: ۲۰). فرقه باقریه بر امام باقر^(ع) (ر.ک؛ شهرستانی، ۱۹۹۵م: ۱۴۷) و فرقه ناووسیه بر امام صادق^(ع) توقف نموده‌اند (ر.ک؛ نوبختی، ۲۰۱۷م: ۶۷) و امامان بعدی را نپذیرفتند. حتی گروهی که پس از شهادت امام عسکری^(ع) معتقد به زنده بودن ایشان شده، امام مهدی^(ع) را نپذیرفتند نیز واقفه نامیده می‌شوند (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۴۰). اما این واژه به طور مطلق تنها بر کسانی گفته می‌شود که پس از شهادت امام کاظم^(ع)، ولایت حضرت رضا^(ع) را نپذیرفتند و خود به چهار گروه با تفاوت کم تقسیم شدند و البته قدر مشترک همه، پایان یافتن سلسله امامت با امام موسی کاظم^(ع) و قائمیت و مهدویت ایشان است.

در علت ایجاد وقف، سخن فراوان است، اما مشهور است که برخی وکلای امام هفتم^(ع) به سبب حب مال و به منظور تصاحب اموالی که نزدشان فراهم آمده بود، موت امام هفتم و در

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۶۰

نتیجه، امامت فرزندش حضرت رضا^(ع) را انکار کردند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۲). اگرچه برخی محققان، ماجرای طمع مالی و کلای امام هفتم را نپذیرفته‌اند (ر.ک؛ بهبودی، ۱۳۷۰: ۵۷)، ولی به فرض صحت نیز نباید علت ایجاد وقف را منحصر در موضوع اقتصادی دانست (ر.ک؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۱۲). به هر حال، سردمداران وقف برای تقویت تفکر خود، در فرمایش امام صادق^(ع) به سماعه بن مهران که درباره مشخصات امام عصر^(عج) گفته شده بود، تحریفی انجام داده‌است و عبارت «اینی هذا» را اضافه نمودند. اصل حدیث بدین صورت است که امام صادق^(ع) به سماعه بن مهران می‌فرماید:

«إِنَّ ابْنِي هَذَا فِيهِ شِبْهُ مِنْ خَمْسَةِ أَنْبِيَاءٍ يَحْسَدُ كَمَا حَسَدَ يُوسُفُ^(ع) وَيَغِيبُ كَمَا غَابَ يُونُسُ^(ع) وَذَكَرَ ثَلَاثَةَ آخَرَ قَالَ كَذَبَ زُرْعَةَ لَيْسَ هَكَذَا حَدِيثُ سَمَاعَةَ، إِنَّمَا قَالَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَغْنِي الْقَائِمُ^(ع) فِيهِ شِبْهُ مِنْ خَمْسَةِ أَنْبِيَاءٍ، وَكَمْ يَقُلُ ابْنِي؛ یعنی: «این پسر از پنج جهت شبیه انبیاست؛ مورد حسادت واقع می‌شود، همان طور که به یوسف حسودی کردند و غیبت می‌کند، همان طور که یونس ناپدید شد و سه ویژگی دیگر را ذکر کردند...» (طوسی، ۱۳۶۳: ۴۷۷).

با این عمل، غیبت موجود در حدیث را به موسی بن جعفر^(ع) حمل نموده، مدعی شدند که ایشان زنده‌اند و از نظرها غایب شده‌اند، تا بتوانند اموال را نزد خود نگه دارند. لازم به ذکر است که اگر این تحریف انجام نمی‌شد، صرف انکار امامت امام هشتم^(ع)، برای مسترد نکردن اموال، کافی نبود؛ زیرا به هر حال، در صورت قبول فوت امام هفتم، باید اموال را به وارثان امام هفتم^(ع) تحویل می‌دادند.

۳-۱-۵. اهمیت «واقفیه» در بین فرق شیعی و لزوم مبارزه با آنان

در میان فرقه‌های انشعابی از شیعه اثنی عشری، واقفیان ویژگی‌هایی دارند که ضرورت مبارزه با آنان را ایجاب کرده، علت شدت مبارزه امام هشتم^(ع) با ایشان را روشن می‌سازد. مهم‌ترین ویژگی آن‌ها این بود که سردمداران این فرقه، از بزرگان فقهای شیعه بودند و احترام خاصی داشتند؛ به‌طور مثال، می‌توان به علی بن زیاد بطائنی (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۲۳۵)، زیاد بن مروان قندی، عثمان بن عیسی راوندی (ر.ک؛ همان: ۲۳۶) و منصور بن یونس (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۷۶۸) اشاره کرد که همگی از وکلای امام در نقاط مختلف جهان اسلام بودند و اموال زیادی نزد خود به امانت داشتند، حتی علی بن زیاد بطائنی از امامان صادق، کاظم و رضا^(ع) و راویان

بزرگ شیعه همچون ابان بن تغلب، معاویه بن عمار و محمد بن مسلم حدیث نقل کرده، افرادی همچون محمد بن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان و حسن بن محبوب از او روایت نقل کرده‌اند (ر.ک؛ خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۱: ۴۸۷-۵۰۰). موضع انکار از سوی آنان در برابر حضرت رضا^(ع) موجب ملحق شدن شیعیان بدان‌ها و یا دست کم افکندن شعله‌های شک و تردید در دل ایشان می‌شد. دیگر آنکه ایشان از اندیشه مهدویت که از نظریه‌های عمیق و مورد توجه پیامبر و ائمه^(ع) بود، سوءاستفاده نمودند (ر.ک؛ نوبختی، ۲۰۱۷ م: ۱۱۷) و بر امام وظیفه بود که این اندیشه راستین را از شوائب و شاخه‌های انحرافی برهاند. ویژگی دیگر این بود که به سرعت در حال گسترش بودند و اگر فکری برای آن‌ها نمی‌شد، غالب شیعیان را منحرف نموده، اعتبار پنج امام را مورد تشکیک قرار می‌دادند. این خصوصیت‌ها باعث شد که مبارزه با آنان، عمده مشغله فکری امام هشتم^(ع) شود، تا شیعیان گمراه را نجات داده، از انحراف دیگران جلوگیری فرماید.

۴-۱-۵. فعالیت امام رضا^(ع) در رد افکار واقفیان

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که امام هشتم^(ع) در طول دوران ۲۰ ساله امامتش، پیوسته شبهه‌های واقفیان را پاسخ داده، موضع‌گیری مناسب اتخاذ می‌نمود. صرف نظر از تأکیدهای امام^(ع) بر دو مسئله مهم «فرزنددار شدن خویش» و نیز «حل شبهه سن» که به سبب اهمیت آن، جداگانه مطرح کردیم، موضع‌گیری‌های امام رضا^(ع) در غیر از این دو مورد نیز بسیار حائز اهمیت است؛ مانند: شبهه مهدی بودن امام هفتم^(ع)، شبهه عدم وفات آن حضرت، شبهه مردن دوباره زنده شدن ایشان، شبهه وجوب غسل امام قبلی به دست امام بعدی، شبهه عدم امکان جمع شدن امامت در دو برادر غیر از حسنین^(ع)، شبهه عدم امکان امام شدن دایی و عموی امام قبل، لزوم نص از امام پیشین برای امام بعدی و... مصادیق این فعالیت‌ها در بند ششم خواهد آمد.

۲-۵. تأکید امام رضا^(ع) بر فرزنددار شدن خویش (مبارزه با منشاء دوم)

شبهه عقیم بودن امام رضا^(ع) دوباره فتنه واقفیه را رونق داد و شیعیان سست‌اعتقاد نیز تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفته، پریشان شدند. از این رو، امام هشتم پیوسته بشارت می‌داد که خداوند به او فرزند عنایت خواهد نمود و از آن فرزند، نوزادی با برکت تر نخواهد بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲۱ و مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹۹)، از آن رو که باعث تثبیت ایمان بسیاری از مردم شد.

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۶۲

اصرار و یقین امام رضا^(ع) در این تأکیدها تعجب‌آفرین است و غیر از «علم به آینده» هیچ توجیهی ندارد؛ چنان که از کلام خود ایشان نیز برمی‌آید. آنجا که حضرتش در حالی که فرزندی نداشت، در جواب پسر ابونصر بزنطی فرمود که امام بعدی، پسر من است. سپس چنین گفت: «هَلْ يَجْتَرِي أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ إِنِّي وَكَيْسَ لَهُ وَكَلْدٌ؟!» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۲۰ و مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۲۷۷)؛ یعنی آیا کسی که فرزند ندارد، جرأت می‌کند بگوید پسر من چنین است و چنان!

۳-۵. تأکید امام رضا^(ع) بر عدم لزوم شرط سنی در نبوت و امامت (مبارزه با منشاء سوم)

اگرچه امام رضا^(ع) در مناظره‌های علمی با دلایل محکم، شبهات واقفیان را یکی پس از دیگری نابود می‌ساخت، اما مسائلی در طول زمان پیش می‌آمد که تنور وقف را دوباره شعله‌ور می‌ساخت. دو عامل بی‌فرزندی حضرت رضا^(ع) و کودکی امام جواد^(ع) از این نوع بود. هر کدام از این دو عامل، می‌توانست برای بیمار دلان انگیزه‌ای باشد، تا دچار «وقف» شوند. چه بسا اگر فقط یکی از این دو، مسئله در آن عصر پیش می‌آمد، زمینه گمراهی شیعیان کمتر فراهم می‌شد. چنان که اگر امام هشتم^(ع) در همان سن بزرگسالی صاحب فرزند می‌شدند، ولی سال‌ها می‌زیستند، تا امام جواد^(ع) به سن جوانی می‌رسیدند، یا اگر امام رضا^(ع) مثل دیگر امامان در آغاز جوانی صاحب فرزند می‌شدند و شبهه «بی‌فرزندی» نقل مجالس نمی‌بود، سن کم امام جواد به این اندازه مشکل‌ساز نمی‌شد. به هر حال، پس از فرزنددار شدن حضرت رضا^(ع)، آتش انحراف افول کرد و بسیاری از شیعیان نجات یافتند، چون دیگر دستاویزی برای منکران وجود نداشت. اما پس از شهادت ایشان، هفت‌ساله بودن امام جواد^(ع) بهانه به دست واقفیان داد و دوباره به جای اول خود بازگشتند. امام رضا^(ع) در همان هفت سال معاصرت با جوادالائمه^(ع)، همواره امام بودن ایشان را به رخ کشیده، با دلایل قرآنی و عقلی، شبهه «کودک بودن» را برطرف می‌ساختند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۲۱).

۶. گونه‌شناسی تأکیدهای امام رضا^(ع) بر امامت حضرت جواد^(ع)

سه منشاء مذکور به شدت در انحراف شیعیان کارگر افتاده، باعث شد که بیشترین فعالیت امام رضا^(ع) در دفع آن‌ها متمرکز شود. این مبارزه و دفع، به حسب زمان، مکان و نوع مشکل،

گونه‌ها و شکل‌های متنوعی از مبارزه و هدایت را می‌طلبد و امام این ضرورت را دریافته، بر همین اساس، در هر موقعیتی، مصداق و نمودی خاص را ارائه می‌فرمود. اینک برخی مصداق:

۶-۱. بشارت‌های حضرت رضا^(ع) درباره ولادت امام جواد^(ع)

از آنجا که بیشترین مخالفت‌ها و انکارهای مردم، ناظر بر اولاد نداشتن امام هشتم بود، در متون تاریخی و روایی، به احادیث متعددی برمی‌خوریم که این شبهه را برطرف ساخته، بر موضوع پسر دار شدن امام رضا^(ع) تأکید می‌کند. چون تولد امام جواد^(ع) نگرانی شیعیان را از اینکه امام هشتم^(ع) جانشین ندارد، برطرف ساخته، ایمان آنان را از آلودگی به شک و تردید نجات داد، از این نظر، ولادت حضرتش بسیار مسرت‌آفرین بود و حضرت رضا^(ع) بارها به آمدن این مولود مبارک بشارت داد. اینک نمونه‌ها:

الف) ابن قیاما واسطی که از واقفیان بود، در نامه‌ای به امام رضا^(ع) نوشت: چگونه می‌توانی امام باشی، در حالی که فرزندی نداری؟! حضرت جواب داد: از کجا می‌دانی فرزند ندارم؟! به خدا قسم چندی نمی‌گذرد که خداوند پسری به من عطا خواهد نمود، تا جداکننده حق از باطل باشد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵۷ و مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۷).

ب) شخص مزبور، یعنی ابن قیاما، هنگامی دیگر و این بار در حضور امام رضا^(ع) تردید خود را به نوعی دیگر مطرح کرده، می‌پرسد: آیا ممکن است دو امام در زمان واحد باشند؟ حضرت فرمود: خیر، مگر آنکه یکی امام صامت باشد و دیگری امام ناطق. ابن قیاما گفت: این شما هستی که امام صامت نداری! (کنایه از آنکه بدون فرزند هستی و کسی نیست تا جانشین شما باشد). حضرت فرمود: به خدا قسم یقیناً پروردگار از نسل من کسی را قرار می‌دهد که به واسطه او حق ثابت شده، باطل نابود گردد. ابن قیاما می‌گوید: یک سال گذشت و ابوجعفر متولد شد (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۳۱ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۲۳).

ج) کلیم بن عمران می‌گوید که به امام رضا^(ع) عرض کردم: دعا کنید تا خداوند فرزندی به شما عنایت فرماید. حضرت در پاسخ فرمود: به من یک فرزند روزی خواهد شد که از من ارث خواهد برد. در ادامه این روایت، علی بن موسی^(ع) همسرش را چنین توصیف می‌فرماید: مادری که فرزندم را می‌زاید، قدیسه‌ای است که طاهره و مطهره خلق شده است (ر.ک؛ ابن عبدالوهاب، بی تا: ۱۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۱۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۳: ۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۴۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۵۲۵).

۲-۶. معرفی و نص بر امامت جوادالائمه^(ع) به عنوان امام بعدی

سرانجام، بشارت‌ها به وقوع پیوست و این نوزاد پربرکت پای به جهان هستی گذاشت. پدر بزرگوارش برنامه‌ای همه‌جانبه برای معرفی فرزندش به شیعیان تدارک دید و هیچ موقعیتی را در این مهم نادیده نگرفت. ایشان پیوسته در مدینه و بعد از ترک آنجا، در خراسان نیز در جواب سؤال مردم و به صورت ابتدایی، بر جانشینی و امامت فرزند عزیزش تأکید نموده، با اسم و رسم، پسرش «محمد» را معرفی می‌نمود. کلینی در این زمینه بابی با عنوان «بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّلَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۲: ۱۰۷-۱۱۲) و شیخ مفید بابی با عنوان «فصل فی النصّ علی إمامة الجواد^(ع)» باز نموده، در آغاز آن می‌گوید: «این نصوص از افراد فراوانی نقل شده‌است که ذکر نام آن‌ها کتاب را طولانی می‌سازد. سپس به عنوان نمونه، نام نه نفر را برشمرده، به نقل روایاتی متعدد می‌پردازد» (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۲۷۴). به سبب مطالعه بهتر، این گونه تصریح‌ها و نصوص را از حیث زمانی به دو بخش تقسیم می‌کنیم.

۱-۲-۶. قبل از سفر خراسان در مدینه

در این برهه زمانی، توجه به دو نکته مهم، اهمیت این تصریحات امام رضا^(ع) را بیشتر روشن می‌کند. اول آنکه تولد محمدبن علی الجواد، در سال ۱۹۵ هجری و عزیمت پدر به مرو به سال ۲۰۰ هجری است. بدین سبب ایشان پنج ساله بود که پدر گرامیش عازم سفر مرو شد (ر.ک؛ عرفان‌منش، ۱۳۷۶: ۱۳۲ و عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱، ج ۱۱: ۱۴۱۲). لذا همه نصوص مدینه، با همه عظمت آفرینی و بی نظیر بودنش، ناظر به زمان نوزادی حضرت جواد^(ع) تا پنج‌سالگی ایشان است. دوم آنکه امام رضا^(ع) می‌داند که عمر چندانی ندارد و به‌زودی شهید خواهد شد و حتی خاندان و نزدیکان خویش را امر به گریه و تعزیه برای خویش نمود (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۳۲: ۵) و می‌داند که پسرش تا دو سال دیگر به منصب امامت می‌رسد، در حالی که هفت سال بیشتر ندارد. لذا با وجود همه این آگاهی‌ها، زمینه را برای امام هفت‌ساله فراهم می‌کند. اینک نمونه‌ها:

الف. صفوان بن یحیی گوید که به امام رضا^(ع) عرض کردم: قبل از آنکه صاحب فرزند شوید، پیوسته به آمدن او بشارت می‌دادید. اکنون چشم ما به وجود فرزندتان روشن شد، ولی چنانچه اتفاقی برای شما افتاد - که خدا آن روز را نیاورد - به که روی آوریم؟ حضرت با

دستش به ابوجعفر سه ساله که آنجا ایستاده بود، اشاره فرمود (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۶).

ب. جعفر بن محمد نوفلی می گوید که به امام هشتم^(ع) هنگام مسافرت خراسان عرض کردم: مردم گمان می کنند که پدر شما زنده است. ایشان فرمود: دروغ می گویند! خدا لعنتشان کند! اگر زنده بود، میراثش تقسیم نمی شد و همسرانش ازدواج نمی کردند. عرض کردم: به من چه امر می کنید؟ حضرت رضا^(ع) فرمود: من به سفری می روم که بازگشتی ندارد. بر تو باد که از فرزندم محمد پیروی نمایی (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۲۱۶ و طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

ج. بُنان بن نافع می گوید: از حضرت رضا^(ع) پرسیدم: امام بعد از شما کیست؟ فرمود: همین کسی که الان از در وارد خواهد شد. او وارث من و پدران من، و حجت خداوند بعد از من است. در همان زمان، محمد پسر امام رضا^(ع) وارد شد و سخنانی به من فرمود. سپس امام رو به من کرده، فرمود: ای پسر نافع، به او سلام کرده، به لزوم اطاعتش اقرار نما؛ چرا که روح او، روح من و روح رسول الله است (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۸۸).

د. معمر بن خلّاد گوید که نزد امام رضا^(ع) بودیم و کسی از ایشان سؤالی پرسید. امام فرمود: با وجود ابوجعفر، چه حاجتی به من دارید؟! او جانشین من و از حیث مقام و موقعیت، همانند من است... (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲۰ و مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۶). دقت در این نکته، لازم است که امام هشتم^(ع) در حالی این عظمت را برای فرزندش تصریح فرموده که ایشان کمتر از پنج سال داشته است.

ه. محمد نواده جهّم گوید با ابوالحسن الرضا^(ع) نشسته بودیم که پسر کوچکش را طلبید و بر زانوی من نشاند و فرمود: پیراهن او را بیرون آور. من چنین کردم. فرمود: بین دو کتفش را ببین. دیدم در گوشت کتفش، نقشی شبیه مهر حک شده و فرورفته است. امام فرمود: آیا می بینی؟! عیناً مثل این نشانه، در شانه پدرم موسی بن جعفر^(ع) بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۸ و طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۳۲).

۲-۲-۶. بعد از سفر به خراسان، در طوس

علاوه بر معرفی در مدینه که همراه با نشان دادن امام جواد^(ع) به مردم صورت می گرفت، این تأکیدها در مرو هم ادامه یافت، با وجود اینکه دیگر ابوجعفر^(ع) حضور نداشت و فرسنگ‌ها با پدر فاصله داشت. اینک نمونه‌ها:

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۶۶

الف) محمدبن ابی عماد، کاتب امام هشتم، جایگاه حضرت جواد^(ع) را نزد پدرش امام هشتم^(ع) چنین توصیف می‌کند که امام هشتم^(ع) هرگاه از فرزندش نامه‌ای داشت، با احترام از او یاد کرده، می‌فرمود: ابو جعفر به من چنین نوشته است... و هنگامی که به دستور امام^(ع) برای فرزندش نامه می‌نوشت، او را در نهایت عظمت و احترام یاد می‌کرد، در حالی که محمدبن علی الرضا آن هنگام هفت سال بیشتر نداشت. همین شخص از حضرت رضا^(ع) نقل می‌کند که فرمود: پس از من، ابو جعفر وصی و جانشین من خواهد بود (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۴۰).

ب) حسین بن محمد خیرانی از قول پدرش نقل می‌کند که در خراسان نزد حضرت رضا^(ع) ایستاده بودم که شخصی پرسید: اگر برای شما حادثه‌ای رخ دهد، به که روی آوریم؟ فرمود به پسرم ابو جعفر... (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲۲ و مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۹۹).

۳-۶. رضایت به انجام «قیافه‌شناسی» از سوی منکران

سومین گونه روشن‌سازی مسئله امامت امام جواد^(ع)، مبارزه با شبهه «عدم شباهت» بود. کسانی بودند که با وجود تمام نصوص پیشینیان و نیز دیدن کرامات و معجزات فراوان از سوی امام هشتم^(ع)، باز هم برای اعراض از امر امامت و بهانه‌گیری، به شبهه‌ای دیگر درآویختند. شدت گندمگون بودن جوادالائمه^(ع)، موضوعی است که گاه حتی شیعیان مخلص را هم دچار تعجب می‌کرد (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۸۷). مخالفان این مطلب را بهانه ساخته، جنجال به پا نمودند. آن‌ها عدم شباهت پدر و پسر را مطرح کردند و ایشان را فرزند افرادی دیگر برشمردند و کار را به نسب‌دانان و قیافه‌شناسان واگذارند. دو گونه روایت، حاکی از آن است که این عمل، حداقل دو بار صورت گرفته است.

۱) پسران امام هفتم نزد برادر خویش حضرت رضا^(ع) رفته، گفتند که در میان ما امامی که رنگ پوستش گندمگون باشد، وجود ندارد! امام هشتم تأکید فرمود که «محمد» پسر من است. آنان گفتند باید قضاوت را به قیافه‌شناسان بسپاریم. امام فرمود: من چنین کاری نمی‌کنم، اما مانع نمی‌شوم. وقتی قیافه‌شناسان حاضر شدند، همه عموها، برادران و خواهران حضرت رضا^(ع) در حیاطی نشستند، ولی امام خود با لباس‌هایی خاص و کلاهی بر سر، در میان باغ مشغول کار شد؛ گویی که باغبان است و ارتباطی با حاضران ندارد. مخالفان، ابو جعفر^(ع) را حاضر نمودند و از قیافه‌شناسان خواستند تا پدر ایشان را شناسایی کنند. آنان به اتفاق گفتند: پدر کودک در جمع،

حاضر نیست، اما فلانی عمویش است و دیگری عموی پدر اوست و... اگر کسی پدر او باشد، باید آن مردی باشد که باغبانی می‌کند؛ چراکه ساق پای این دو مشابه است. در این هنگام، امام رضا^(ع) وارد جمع شدند و قیافه‌شناسان یک صدا گفتند: پدر این طفل، همین مرد است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۲۲ و عریضی، ۱۴۰۹ق.:: ۳۲۱). ناقل این روایت، جناب علی بن جعفر، فرزند بزرگوار امام صادق^(ع) و عموی امام رضا^(ع) می‌باشد. در شأن و مقام او، رجال شیعه و سنی فراوان سخن گفته‌اند و او را ستوده‌اند (نصوص متعدد را در عریضی ۴۳ ببینید).

۲) گروهی از شکاکان گفتند: ابوجعفر فرزند سیف (یا سینف)، غلام سیاه حضرت رضا^(ع) است و نمی‌تواند فرزند ایشان باشد. مخالفان در حالی که امام جواد^(ع) بیش از یک سال و سه ماه نداشت، ایشان را به مسجد الحرام برده، به قیافه‌شناسان نشان دادند و جواب دندان‌شکن شنیدند. آنان به رو درافتاده، به شکاکان گفتند: وای بر شما! آیا ستاره‌ای چنین درخشان و نوری چنین تابنده را بر افرادی چون ما عرضه می‌کنید؟! به خدا سوگند، او جز از اصلاّب پاک و ارحام مطهر به وجود نیامده است. به خدا او جز از نسل رسول اکرم^(ص) و امیرالمؤمنین^(ع) نمی‌باشد. در آن هنگام، حضرت جواد^(ع) با زبان فصیح به سخن آمده، به طور کامل پدر و اجداد ظاهرینش را برشمرد و فرمود: آیا در کسی مثل من شک می‌کنید و به پدر من افترا می‌زنید و مرا به قیافه‌شناسان نشان می‌دهید؟! سپس دست بر دهان خویش نهاد و به خود فرمود: ای محمد، سکوت، و صبر را پیشه کن؛ چنان که پدران تو چنین کردند... وقتی خیر این مجلس به حضرت رضا^(ع) رسید، فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فِي ابْنِي مُحَمَّدٍ أُسْوَةٌ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنِهِ إِبْرَاهِيمَ». سپس قصه ابراهیم فرزند پیامبر^(ص) و ماریه را برای مردم بیان فرمود که چگونه مردم به رسول خدا^(ص) نیز تهمت زده، گفتند: ابراهیم فرزند «جریح»، خادم ماریه است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۵۰: ۸؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق.، ج ۲۳: ۱۴؛ خصیعی، ۱۴۱۹ق.:: ۲۹۵؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق.:: ۲۰۱ و بحرانی، ۱۴۱۳ق.:: ۵۱۶).

۶-۴. ارجاع شیعیان در امور مختلف به امام جواد^(ع)

در این گونه، علاوه بر تصریح‌ها و تأکیدهای مذکور در معرفی امام جواد^(ع) به عنوان امام و پیشوای بعدی، حضرت رضا^(ع) هنگامی که مردم پرسش یا حاجتی از ایشان داشتند، آن‌ها را به سوی فرزند خویش که کودکی با سن کمتر از هفت سال بود، ارجاع می‌دادند. این عمل سمبلیک، برای تبیین جایگاه متعالی جوادالائمه^(ع) و تصریح بر شایستگی ایشان در همه امور،

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۶۸

حتی قبل از شهادت پدر می‌باشد. جالب است که چنین رفتاری را در بین اهل بیت فقط در مواردی می‌بینیم که امام قبلی می‌داند در آینده، در اصل وجود فرزندش و یا در شایستگی و سزاواریش برای امامت، فضای شک و تردید پیش خواهد آمد (مانند زمینه‌سازی‌های امام عسکری^(ع))؛ به عنوان نمونه:

الف) اسماعیل بن ابراهیم می‌گوید: به امام رضا^(ع) عرض کردم: پسر من زبانش روان نیست و درست نمی‌تواند صحبت کند. می‌خواهم او را نزد شما بیاورم، تا دستی بر سرش کشیده، برایش دعا فرمایی. امام فرمود: او را نزد ابوجعفر بفرست (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۲۲).

ب) یحیی بن زبیر از قول کسی که در مجلس امام رضا^(ع) حاضر بوده، نقل می‌کند: هنگامی که همه حاضران برخاستند، امام به ایشان فرمود: بروید و با ابوجعفر دیدار نموده، بر او سلام کرده، عهدی تازه کنید (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۲۰ و مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۲۸۰). این سخن امام اگرچه نص بر امامت نیست، اما دلالت التزامی بر آن دارد؛ چنان‌که ادامه فرمایش امام، دلیل این مدعاست؛ زیرا فرمود: خدا رحمت کند مفضل را که به کمتر از این هم قانع بود. کنایه از اینکه همین مقدار اشاره کافی است، تا عاقل دلالت آن را بر شایستگی شخص برای امامت بفهمد.

۵-۶. لعن و نفرین بر وقف‌کنندگان و مخالفان

امامان این پرچمداران هدایت، پیوسته از سلاح طرد و لعن پرچمداران ضلالت و گمراهی، برای واضح شدن خط حق و باطل استفاده می‌نمودند. این موضع‌گیری به مردم این امکان را می‌داد که به درستی جبهه‌های حق و باطل را تشخیص داده، تأویل‌ها و توجیه‌ها در فهم آنان خللی وارد ننماید؛ چراکه اگر غیر از این بود و عکس‌العمل ائمه بدین شکل تند و صریح نبود، گفتار ایشان به وسیله مخالفان، با تبرئه و مسامحه‌گری‌های مغرضانه، معانی دیگری می‌یافت. اگرچه مشی، مرام و منطلق اهل بیت^(ع) بر وفق، مدارا، الفت و محبت استوار بود (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۶۶: ۱۷۰)، ولی عمومیت نداشت. بر همین اساس، از سوی اهل بیت^(ع) در مقابل اشخاص و افکار مخرب، مواضع تندی در تاریخ دیده می‌شود؛ مانند موضع‌گیری شدید امام صادق^(ع) در مقابل غالیان که به ائمه نسبت الوهیت داده، حبّ ایشان را در حوزه ایمان به قدری کارآمد می‌شمردند که با وجود آن هیچ عمل واجب و مستحبی لازم نیست (ر.ک؛ نوبختی، ۲۰۱۷م.: ۸۵ و طوسی، ۱۳۶۳: ۵۲۷). همچنین، اقدام تند و صریح امام کاظم^(ع) در مقابل شخصی به نام

محمد بن بشیر را می‌توان ذکر کرد که ادعاهای عجیبی می‌کرد و مردم را گمراه می‌نمود؛ مثلاً گاه می‌گفت موسی بن جعفر غایب شده‌است و من تا زمان خروج او، امام مفترض الطاعه هستم و باید زکات خود را به من بپردازید و پس از من نیز فرزندم محمد امام شماسست و گاهی می‌گفت موسی بن جعفر، خداست و من پیغمبر! امام کاظم^(ع) بارها او را لعن و نفرین کرد و خویش را مباح شمرده، دستور قتلش را صادر نمود و این قتل را مصداقی از نصرت خدا و رسول دانست (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۷۸-۴۸۲). همین حربه را امام هشتم نیز به کار برده، منکران امامت خود و فرزندش را لعنت نمود؛ به عنوان نمونه:

الف) محمد بن فضیل از امام رضا^(ع) می‌پرسد کسانی که بر پدر شما وقف کردند، چگونه‌اند؟ امام می‌فرماید: خدا لعنت کند ایشان را که گمان می‌کنند من عقیم هستم و فرزندى را که در آینده خواهد آمد، انکار می‌کنند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۸؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱: ۴۹۴ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۵). قابل توجه اینکه سؤال پرسشگر از وقف بر امام هفتم بود، اما چنان که می‌بینید، جواب امام ناظر بر ریشه تفکر واقفان معاصر و تأکید بر ولادت امام جواد^(ع) و در نتیجه، امامت ایشان است؛ چراکه بهانه آنان، عقیم بودن حضرت رضا^(ع) بود.

ب) محمد بن سنان، محدث و عالم شیعه (ر.ک؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۸) نقل می‌کند که یکی از واقفیان به اسم «علی بن ابی حمزه» نزد امام رضا^(ع) نامش به میان آمد. امام او را لعنت نموده، با استناد به آیه ۳۲ سوره توبه، وی را از کسانی شمرد که نمی‌خواهند خدا در آسمان و زمین عبادت شود، ولی خداوند نورش را تمام می‌کند، اگرچه مشرکان را خوش نیاید (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۷۰ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱: ۴۹۰). این نمونه، علاوه بر لعن، مشتمل بر کافر شمردن واقفیان است؛ چنان که در انتها، سائل با تعجب می‌پرسد: آیا کافر هستند؟ و امام دوباره بر مطلب تأکید می‌فرماید.

ج) سلیمان جعفری نقل می‌کند که در مدینه، در محضر حضرت رضا^(ع) نشسته بودیم که شخصی از امر واقفیان سؤال کرد. امام فرمود: آنان ملعون هستند و به آیه ۶۱ سوره احزاب استناد فرمود (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۷ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۴).

د) امام رضا^(ع) نه تنها خود واقفیان را لعن و نفرین می‌نمود، بلکه به دیگران نیز چنین دستور می‌داد. ابراهیم بن عقبه گوید که به امام گفتم: من این مطوره‌ها را می‌شناسم. آیا ایشان را در قنوت نماز نفرین کنم؟ فرمود: آری، نفرین کن (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۱).

۶-۶. معرفی واقفیان و منکران به عنوان «کافر» و «مشرک»

از آنجا که این گونه افراد خود را مسلمان می‌دانستند، می‌توانستند در صفوف مردم رخنه کنند. امام رضا^(ع) با کافر شمردن آنان به مردم فهماند که مسلمان آن است که همه دین را بپذیرد، نه آنکه به بخشی ایمان آورده، بخشی را رها کند. اینک نمونه‌ها:

الف) در بخش پیشین، در روایت محمدبن سنان، تصریح امام هشتم^(ع) بر شرک و کفر علی بن ابی حمزه گذشت.

ب) عمروبن فرات از امام رضا^(ع) درباره واقفیان می‌پرسد. حضرت می‌فرماید: ایشان در حیرت زندگی کرده، در حالت کفر و زندقه می‌میرند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸: ۲۶۷ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۱: ۴۹۴).

ج) گروهی از اصحاب نیز از امام هشتم^(ع) همان سؤال را پرسیدند و همان جواب را شنیدند. سپس با یکدیگر در این زمینه گفتگو کرده، یکی از ایشان می‌گوید: شک را قبول داریم، اما چطور ممکن است که کافر باشند! همان شخص می‌گوید که هنگام احتضار یکی از واقفیان حاضر بودم و شنیدم که گفت: اگر موسی بن جعفر مرده باشد، من کافرم. در این هنگام، به درستی سخن امام رضا^(ع) یقین کردم (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۶ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۱: ۴۹۲). گفتنی است که امام صادق^(ع) افرادی را که بر پسرشان موسی بن جعفر وقف می‌کنند، «بدتر از ناصبیان» می‌شمارند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸: ۲۶۶).

د) ابراهیم بن ابی‌بلاد می‌گوید نام «مَمْطوره» را نزد امام رضا^(ع) بردم. فرمود آنان در حیرت و شک زندگی کرده‌است و در حالت کفر می‌میرند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۱). مشابه همین ماجرا از فضل بن شاذان نیز نقل شده‌است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۱: ۴۹۲ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸: ۲۶۳).

ه) علی بن عبدالله زبیری در نامه‌ای از حضرت رضا^(ع) درباره واقفیه پرسش می‌کند. امام می‌فرماید: «چنین شخصی مانع حق و ثابت قدم در گناه است. اگر بر همین حال بمیرد، جهنم (به سبب کفرش) مأوای اوست که بدجایگاهی است» (طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۵ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۱: ۴۹۲).

و) ابراهیم بن یحیی می‌گوید که امام رضا^(ع) درباره یکی از واقفیان به نام حمزه بن بزیع چنین گفت: «حمزه شقی سرانجامش چه شد؟! او گمان کرد پدرم زنده است. او امروز در شک

زندگی کرده، فردا بر کفر و زندقه خواهد مُرد» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق.، ج ۲۱: ۴۹۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۴۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۴۸: ۲۵۶).
(ز) در حدیث یحیی بن مبارک خواهد آمد که امام رضا^(ع) کفر ایشان را به شکلی دیگر بیان نموده، می فرماید: «واقفیان نه مؤمنند و نه مسلمان».

(ح) در سخنی دیگر امام رضا^(ع) واقفیان را از زمره مسلمانان خارج نموده، آنان را تشبیه به یهودیان می فرماید. بکر بن صالح می گوید امام رضا^(ع) از من پرسید که مردم درباره آیه ۶۴ سوره مبارکه مائده چه می گویند؟ عرض کردم: سخنان مختلفی دارند. فرمود: درباره واقفه است (که مصداقی از آیه هستند)؛ زیرا اینان دست خدا را بسته دانسته، می گویند: امامی بعد از موسی نیست (کنایه از عقیم شمردن امام هشتم)، حال آنکه خداوند سخن ایشان را رد کرده، می فرماید: **إِنَّمَا يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ**؛ چرا که دست خدا باز است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۶ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق.، ج ۲۱: ۴۵۶).

(ت) در سخنی دیگر، حضرت رضا^(ع) به تبع نیای بزرگوارش امام پنجم، وقف کنندگان را نه تنها از دایره شیعیان خارج نموده، بلکه در زمره کسانی می داند که از همی امامان روی برتافته اند. حمزه بن زینب نقل کرده که حمران بن اعین از امام باقر^(ع) می پرسد: آیا من از شیعیان شما هستم؟ امام فرمود: آری، نام تمام شیعیان در نزد ما موجود است، مگر آنهایی که از ما روی بگردانند. حمران می پرسد: آن‌ها کیانند؟ امام فرمود: در زمان تو نیستند و تو آن‌ها را نخواهی دید. حمزه که راوی این روایت است، می گوید که من با گروهی درباره این روایت به بحث نشستیم و سرانجام، در نامه‌ای از حضرت رضا^(ع) درخواست نمودیم تا کسانی را که جدّشان امام باقر^(ع) از گروه شیعیان مستثنی فرموده بود، برای ما معرفی فرماید. امام رضا^(ع) در جواب ما نوشت: اینان وقف کنندگان بر موسی بن جعفر هستند که نامشان در گروه شیعیان ثبت نشده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۲ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق.، ج ۲۱: ۴۹۰).

۷-۶. طرد واقفیان و قرار دادن ایشان در انزوای اجتماعی و اقتصادی

گونه‌ای دیگر از تمهیدات حضرت رضا^(ع) این بود که شیعیان و اصحاب را از مراوده و رفت و آمد با واقفیان بازداشته، آنان را در تبعید روانی قرار می دادند. این عمل بدان سبب بود که مردم به واسطه نشست و برخاست با چنین افرادی، تحت تأثیر تبلیغات سوء ایشان قرار نگیرند. اگرچه کافر شمردن واقفیان که نمونه‌هایش گذشت، خود بهترین ترفند برای بازداشتن مردم از

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۷۲

معاشرت با ایشان بود، اما دستورهای صریح نیز گاهی این موضوع را تقویت می‌نمود. اینک نمونه‌ها:

الف) حضرت رضا^(ع) به محمدبن عاصم فرمود: شنیده‌ام با واقفیان مجالست می‌کنی؟! گفت: بلی، اما مخالف ایشان هستم. امام امر فرمود که "لَا تُجَالِسُهُمْ". سپس با استناد به آیه ۱۴۰ سوره نساء، کفر واقفیان را ثابت فرمود و علت آن را نپذیرفتن وصایت امام شمرده که از آیات الهی است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۷؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱: ۴۹۴ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۴).

ب) یحیی بن مبارک در نامه‌ای از امام هشتم سؤالاتی پرسید. امام پس از پاسخ پرسش‌ها، در آخر نامه با استناد به آیه ۱۴۳ سوره نساء مرقوم فرمود: «مصدق آن، واقفیه هستند؛ نه مؤمنند و نه مسلمان. تکذیب آیات الهی می‌نمایند، در حالی که ما "أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ" هستیم و در ما جدال و عصبانیت نیست. ای یحیی، تا می‌توانی نسبت به ایشان دشمنی نما» (طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۸).

ج) دستور امام به ابراهیم بن عقبه گذشت که امر به نفرین کردن واقفیان در قنوت نماز فرمود. این خود ترغیب بر طرد و دوری از ایشان بود.

د) امام هشتم شیعیان را نه تنها از معاشرت با واقفیان باز می‌داشت، بلکه از مراودات اقتصادی نیز منع می‌نمود که خود دلیلی بر طرد آنان است. یوسف بن یعقوب می‌گوید که از امام پرسیدم: آیا به کسانی که گمان می‌کنند پدر شما زنده است زکات بدهم؟ امام فرمود: خیر، ایشان کافر، مشرک و زندق هستند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۶ و بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱: ۴۹۳).

۸-۶. ردّ و انکار شبهات واقفیه با دلایل قرآنی و عقلی

پس از سخن گفتن درباره هفت گونه از تأکیده‌های امام رضا^(ع)، اینک نوبت بدان رسیده که درباره گونه هشتم بگوییم. اگرچه برخی از گونه‌ها را به سبب اهمیت ویژه، به طور مجزا آوردیم، اما همه آنها به نوعی از گفتار واقفیان سرچشمه گرفته بود. حال به شبهه‌هایی می‌پردازیم که به نظر می‌رسد وجه مشترک آنها، تکیه و استدلال وقف‌کنندگان بر یک روایت خاص و یا عمل نکردن به روایتی دیگر باشد. امام هشتم نیز با استدلالی مناسب و با استناد به روایات دیگر و نیز دلایل عقلی و قرآنی با آنان برخورد می‌نمود. این گونه عملکرد،

گاه به شکل رساندن پیغام و جواب نامه بود و گاه در مناظراتی صورت می گرفت که آغازکننده آن‌ها غالباً بزرگان و سردمداران واقفیه بودند.

۶-۷-۱. از دنیا نرفتن امام هفتم

اولین دستاویز واقفیان این بود که امام موسی^(ع) از دنیا نرفته و زنده است. زمینه این مطلب را دو چیز فراهم آورده بود: بستر مهدویت و غیبت امامی که از زمان پیامبر^(ص) درباره او صحبت شده بود و دیگر زندانی بودن امام هفتم و دوری از انظار مردم. حضرت رضا^(ع) همواره بر شهادت پدر تأکید نموده، روایات دال بر قائم بودن ایشان را رد می نمود؛ به عنوان نمونه:

الف) محمدبن ابی عمیر به واسطه‌ای نقل می کند که به امام رضا^(ع) گفتم: برخی بر پدرت وقف کرده، گمان می کنند که نمرده است. امام فرمود: آنان دروغ می گویند و تکذیب کننده آموزه‌های خداوند می باشند. اگر قرار بود خداوند به دلیل احتیاج مردم به شخصی، عمر او را طولانی کند، سزاوارترین فرد برای این هدف، رسول خدا بود (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۵۸ و ۷۵۹).

ب) راوی از امام هشتم می پرسد: فدایت شوم، پدرت چه شد؟ امام فرمود: از دنیا رفت؛ چنان که پدرانش از دنیا رفتند... (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۷۶).

ج) در حدیث ابراهیم بن یحیی که به طور کامل گذشت، امام رضا^(ع) فرمود: حمزه چون گمان کرده که پدرم زنده است، امروز از شکاکان و فردا از زندیقان می باشد.

د) در روایت معروف علی بن ابی حمزه که از واقفیان است و در بخش شبهه غسل به تفصیل خواهد آمد، وی از امام هشتم پرسید: پدرت چه شد؟ حضرت بر فوت پدر تأکید فرمود.

ه) جعفر بن محمد نوفلی می گوید که به امام هشتم هنگام مسافرت خراسان عرض کردم: مردم گمان می کنند که پدر شما زنده است. ایشان فرمود: دروغ می گویند، خدا لعنتشان کند. اگر زنده بود، میراثش تقسیم نمی شد و همسرانش ازدواج نمی کردند... (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۲۱۶ و طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

۶-۷-۲. «مهدی بودن» امام هفتم

گفتیم که زمینه دیگر توقف بر امام هفتم «مهدی و قائم شمردن» ایشان بود. لذا از لوازم مهدویت، امر «غیبت» است. امام هشتم در این باب نیز روشنگری فرموده، بزرگترین دلیل

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۷۴

ایشان را روایتی مجعول و مدلس برشمردند. در حدیثی که ذیل بند پیشین و حرف «ب» ذکر شد، راوی پس از شنیدن تصریح امام بر رحلت پدرش عرض کرد: پس اگر چنین است، با حدیثی که زُرعه بن محمد حضرمی از سماعة بن مهران نقل کرده است، چه کنیم؟ آنجا که جدتان امام صادق^(ع) فرموده است: این پسر من به پنج پیامبر شباهت دارد... و غیبتی چون یوسف خواهد داشت. امام تصریح فرمود که زُرعه دروغ گفته است و حدیث سماعة بن مهران آن طور نیست. جدم درباره صاحب الامر اینچنین فرموده، نه درباره پسرش موسی، و کلمه "ابنی" را زُرعه اضافه نموده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۷۶).

۶-۷-۳. وجوب غسل امام قبلی به وسیله امام بعدی

در کتب شیعه، روایاتی موجود است که غسل هر امامی را به دست امام بعدی لازم می‌داند. در کتاب کافی، با همین عنوان بابی باز شده است: «بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ لَا يُغْسَلُ إِلَّا مِنْ الْأَئِمَّةِ» و در آن روایاتی آمده که همگی از حضرت رضا^(ع) است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۸۴) و این خود نشان می‌دهد که این مسئله، مشکل و گفتمان عصر بوده است. گفتنی است که حضرت رضا^(ع) خود نیز به فرزندش امام جواد^(ع) سفارش می‌کند که برای غسل او حاضر شود (ر.ک؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۳۷). واقفیان با توجه به سکونت امام رضا^(ع) در مدینه و عدم حضور ایشان در بغداد برای غسل پدر، شبهه فوق را مطرح نموده، آن را دلیلی بر رد امامت علی بن موسی^(ع) شمردند.

جالب اینجاست که این شبهه در موارد مشابه مطرح نشده بود؛ به عنوان نمونه، هیچ کس اسارت و عدم حضور ظاهری امام سجاده^(ع) را در غسل حضرت حسین بن علی^(ع) دلیلی بر امام نبودن امام چهارم نشمرد. همچنین، درباره فوت خود امام رضا^(ع)، با وجود فاصله فراوان مدینه و مرو، و نیز عدم حضور ظاهری امام نهم، هیچ گاه چنین شبهه‌ای مطرح نشد. به هر حال، به این شبهه نیز از سوی حضرت رضا^(ع) جواب قاطع داده می‌شود و اینک نمونه‌ها:

الف) بعضی از اصحاب در حضور حضرت رضا^(ع) شرفیاب بودند که سه نفر از سران واقفیان به نام علی بن ابی حمزه و ابن السراج و ابن المکارم وارد شدند و درباره امام هفتم پرسیده و تصریح امام را بر فوت پدرش شنیدند. علی بن ابی حمزه پرسید: پدرت عهد را به که سپرد؟ فرمود: به من. گفت: یعنی تو امامی؟ فرمود: آری و با دلایل محکم و مقایسه‌ای زیبا بین خود و

جدّشان رسول الله (ص)، و با استناد به ماجرای «یوم الإنذار» مطلب را روشن نمود. ابن حمزه که دیگر بهانه‌ای نداشت، گفت: اگر چنین است، چرا هنگام غسل پدرت حاضر نبودی؟ چه کنیم با آنچه پدرانت گفته‌اند که امام را باید امام غسل دهد؟ حضرت رضا^(ع) فرمود: مگر هنگام غسل امام حسین، فرزندش در کوفه محبوس و اسیر ابن زیاد نبود؟ ابن حمزه گفت: چرا، ولی بیرون آمد، به طوری که کسی متوجه نشد و غسل پدرش را انجام داد و برگشت. امام فرمود: آیا خدایی که او را بدین سان آورد، قادر نبود مرا هم از مدینه به بغداد بیاورد، حال آنکه من نه اسیر بودم و نه در حبس؟! (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۴۶۴). ابن حمزه که نتوانست انکار کند، شبهه مهدویت امام هفتم و نیز عقیم بودن امام هشتم را مطرح نمود و امام در ادامه همین روایت، پاسخ او را فرمود و بدو سفارش کرد که از سدکنندگان راه خدا نباشد (ر.ک؛ همان: ۴۶۵).

ب) احمدبن عمر حلال به امام رضا^(ع) عرض می‌کند که مخالفان شما بهانه کرده‌اند که چون پدر را غسل نداده‌اید، امام نیستید. حضرت فرمود: تو چه گفتی؟ آن‌ها چه می‌دانند چه کسی پدرم را غسل داده؟ می‌گویند: من چنین جواب دادم که اگر مولایم بگوید پدرم را تحت عرش خداوند و یا در اعماق زمین غسل داده، من او را تصدیق می‌کنم. حضرت فرمود: نه، چنین نگو، بلکه بگو خودم پدرم را غسل دادم (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۸۴).

ج) غیر از موارد فوق و مشابه فراوان آن که امام رضا^(ع) تصریح می‌فرماید خود متکفل غسل پدر بوده، این عمل را سنت موسی بن عمران می‌شمارد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۸۴)، گاه امام به صورت نقضی وارد بحث شده، جوابی دندان‌شکن می‌دهد. آنجا که می‌فرماید: اگر امامی امام قبل از خود را غسل ندهد، بر او عیبی نیست، بلکه گناه کسی است که بدون استحقاق بدین عمل اقدام می‌نماید و این امر دلیلی بر عدم پیشوایی و امامت او نمی‌شود (ر.ک؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق.: ۳۵۲). کنایه از اینکه امام بودن امام، شرایط خاص خود را دارد و هیچ کس با غسل دادن امام پیشین، استحقاق امامت نمی‌یابد که بر این اساس، غسل ندادن دلیل بر ردّ امامت شود.

۶-۷-۸. عقیم بودن امام رضا^(ع)

عمده تلاش‌های واقفیان علیه امام رضا^(ع)، در دوران بی‌فرزندگی ایشان بود. پیروان وقف به روایتی از امام ششم استناد کردند که امام نباید عقیم باشد. لذا با وجود معجزات و نصوص درباره امام رضا^(ع)، ابتدا برخی ایمان آوردند، ولی پس از گذشت چهار دهه از عمر امام هشتم و

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۷۶

با استناد به روایت فوق، در امامت ایشان شک کردند که خود مقدمه‌ای برای ردّ امامت حضرت جواد^(ع) بود. امام با تأکید بر پدر شدن خویش که نصوص آن در بخش «بشارت‌ها» گذشت، شبهه عقیم بودن را باطل نمود.

۶-۷-۵. عدم امکان «امامت» در سنّ کودکی

دانستیم یکی از شبهه‌های منکران امامت جوادالائمه این بود که اینچنین کودکی نمی‌تواند پیشوا و امام باشد. امام رضا^(ع) با دلیل قرآنی و با تکیه بر آیات الهی، این مسئله را حل فرمود. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

الف) در حدیث خیرانی که ذکر شد، پس از آنکه امام هشتم فرزندش ابوجعفر را به عنوان امام بعدی به سؤال‌کننده معرفی فرمود، حالت استعجاب را به سبب سنّ کم ابوجعفر^(ع) در وی دریافت. امام حتی قبل از آنکه وی اقدام به پرسش کند، فرمود: خداوند به عیسی نبوت، پیغمبری و شریعت جدید عطا نمود، در حالی که سنّ عیسی از سنّ کنونی ابوجعفر کمتر بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲۲).

ب) در ادامه، حدیثی که به مناسبت گذشت، صفوان بن یحیی پس از تصریح امام رضا^(ع) به امامت فرزندش با تعجب پرسید: ایشان که سه سال بیشتر ندارند؟ امام فرمود: چه ضرری دارد؟ در حالی که عیسی حجت الهی و پیامبر شد و سنّش کمتر از این بود (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۶).

ج) در حدیث معمر بن خلّاد که امام رضا^(ع) او را به امام جواد^(ع) ارجاع نمود، در ادامه فرمود: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكْبَرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲۰؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۳۲ و مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۷۶)؛ یعنی ما اهل بیتی هستیم که کودکان ما از بزرگان عیناً ارث برده، هیچ تفاوتی ندارند. دقت در معنای واژه «قُدَّة» شبهه سن را به طور کامل حل می‌کند^۲.

۶-۷-۶. عدم امکان امامت عمو و برادر

چنان‌که پیشتر گفتیم، انحراف از آنجا شروع شد که در جانشینی امام صادق^(ع) تشکیک به وجود آمد. برخی به سبب علاقه امام ششم به پسر بزرگش اسماعیل، گمان می‌کردند که او امام است، ولی اسماعیل در زمان حیات پدر از دنیا رفت. پسر بعدی، عبدالله افطح بود که اگرچه ۷۰

روز بیشتر بعد از پدر نزیست، ولی طبق روایتی که بدان استناد می‌شد، چون بزرگ‌ترین فرزند امام بود، پیشوایی بدو می‌رسید. با اینکه وی از امتحان مردم سربلند بیرون نیامد و اکثر شیعیان امامت او را نپذیرفتند، ولی آنگاه که به سبب فرزنددار نشدن حضرت رضا^(ع) در امامت ایشان تشکیک حاصل شد، برخی دوباره به امامت عمویش، عبدالله، قائل شدند. چاره کار در این بود که تبیینی دیگر در مسئله امامت صورت بگیرد و امامت عمو و برادر نفی گردد. اگرچه معصومان پیشین نیز بر این موضوع تصریح نموده بودند، مانند امام صادق^(ع) که فرموده بود: خداوند ابا دارد غیر از حسنین^(ع)، امامت را در دو برادر قرار دهد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۸۶). اما ویژگی جریان واقفیه به گونه‌ای بود که شدت عمل حضرت رضا^(ع) را در همه حوزه‌ها اقتضا می‌نمود. این روایت نمونه آن است که از قول محمد بن اسماعیل بزیر می‌گوید: «در محضر امام رضا^(ع) شخصی از ایشان پرسید: آیا امامت می‌تواند برای دایی یا عموی امام پیشین واقع شود؟ فرمود: نه. دوباره پرسید: برای برادر چطور؟ فرمود: نه. باز پرسید: پس در چه کسی است؟ امام می‌دانست که مقصود او این است که چون شما عقیم هستید، نمی‌توانید امام باشید. پس شاید امامت به برادران شما یا عموها برسد. لذا در حالی که هنوز فرزندی نداشت، فرمود: امامت در فرزندان من است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۸۶).

۷. عملکرد دیگر معصومان نسبت به امامت جوادالائمه

پس از ذکر نصوصی که حضرت رضا^(ع) در تثبیت امامت فرزندشان فرموده‌اند، تذکر این نکته ضروری است که استمرار این نصوص از عصر پیامبر^(ص) تا عصر امام رضا^(ع) قابل مطالعه است. رسول گرامی اسلام، خاتم پیامبران و واسطه هدایت مردم بود. اگر سیر هدایت با رحلت ایشان قطع می‌شد، نقض غرض لازم آمده، حجت خداوند بر مردم تمام نمی‌شد. پس اگرچه هدایت به واسطه نبی پایان می‌یافت، اما استمرار آن به وسیله سلسله امامت، تقدیر الهی بود. از این رو، بر محمد مصطفی^(ص) وظیفه بود که علاوه بر معرفی حجت و جانشین پس از خویش، حُجَج و امامان دیگر را تا انتها به مردم معرفی نماید. رسول خدا^(ص) این وظیفه را به‌خوبی و درستی، به‌روشنی و صراحت، به کرات و دفعات و به ابرام و اصرار انجام داد. ایشان هر جا زمینه مناسب می‌دید، مانند تفسیر یک آیه، یا سؤال یک پرسش‌کننده، با روش‌ها و سبک‌های مختلف، ائمه را به مردم می‌شناساند. گاه تصریح بر تعدادشان، گاه تصریح بر نژاد و قبیله‌شان، گاه تأکید بر صفت و ویژگی‌هایشان و گاه اشاره به حوادث عصرشان، یا حتی چگونگی کشته شدنشان. در

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جوادالائمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۷۸

همه این سبک‌ها، دلالت‌هایی بر امامت جوادالائمه^(ع) وجود دارد. تعداد این گونه احادیث بسیار و در کتب روایی موجود است؛ به عنوان نمونه، باید از روایتی سخن بگوییم که به تفصیل گذشت و در آن سخن، نبی اکرم^(ص) به مادر امام جواد^(ع) سلام رسانده، وی را به پاکی و نجات می‌ستاید. این در حالی است که پیامبر اسلام به مادر هیچ یک از ائمه سلام نرسانده‌است. چنین ویژگی حاکی از پیش‌بینی‌های این رهبر گرانقدر دارد که برای شبهه ده‌ها سال بعد، برنامه‌ریزی می‌فرماید. ائمه نیز به این مهم توجه داشته‌اند؛ مثلاً امام صادق^(ع) به یکی از شبهه‌ها پرداخته، طی سخنانی به «سلیمان بن خالد» توصیه می‌کند که اولاد را از فتنه شیعیان ما حفظ کن. می‌پرسد این فتنه چیست؟ امام می‌فرماید: «این فتنه، انکار امامان و وقف بر پسر موسی است که آنان گمان می‌کنند موسی نمرده‌است و بعد از وی امامی نیست. بدان که این وقف‌کنندگان بدترین خلائق هستند» (طوسی، ۱۳۶۳: ۷۵۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۴۸: ۲۶۵). در بین نصوص متعدد، فرمایش امام موسی بن جعفر^(ع) اهمیت خاصی دارد و توجه خاص می‌طلبد؛ مانند آن سلام ویژه که به دست یزید بن سلیط به عروس آینده‌اش، بانو سبیکه نویسه، مادر امام جواد^(ع) می‌رساند، تا از سال‌ها قبل، بر فرزنددار شدن علی بن موسی الرضا^(ع) تصریح فرموده‌است و شبهه «عقیم بودن» امام هشتم را عقیم نماید. همچنین، آنچه به محمد بن سنان فرمود: هر کس حق این فرزندم علی را نادیده گرفته، امامت او را بعد از من انکار نماید، عیناً مانند کسی است که امامت امیرالمؤمنین را پس از پیامبر^(ع) انکار کند. سپس در انتهای همین سخن به محمد بن سنان امر می‌کند که بعد از فرزندم علی، به فرزندش محمد نیز ایمان بیاور (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۱۹؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۲ و طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

نتیجه‌گیری

امام جواد^(ع) نهمین برج امامت، فرزند حضرت رضا^(ع) در سال ۱۹۵ هجری در شهر مدینه به دنیا آمد. در هنگام تولد ایشان، امام هشتم ۴۲ ساله بود و تا آن زمان پسری نداشت. آغاز امامت ایشان در سن هفت‌سالگی بود که ۱۷ سال به طول انجامید و در سن ۲۵ سالگی به دستور معتصم عباسی در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسید.

وجود جریان‌های درون‌شیعی همچون غالیان، زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه، به‌ویژه واقفیه اصلی از زمان امام کاظم^(ع) موجب به وجود آمدن شبهه‌هایی در امامت امام جواد^(ع) شده بود؛ مسائلی همچون شبهه مهدی بودن امام هفتم، عدم وفات امام هفتم، مردن و دوباره زنده شدن ایشان،

و جوب غسل امام قبلی به وسیله امام بعدی، بدون فرزند ماندن امام رضا^(ع) تا بعد از چهل سالگی، سن کم امام نهم برای امامت در هفت سالگی و... از جمله مسائل مهم آن دوران بود. امام هشتم^(ع) برای پاسخگویی به شبهات مطرح شده به عکس العمل‌های مناسبی با این جریان‌ها پرداختند که از نظر تقسیم‌بندی شامل سه گروه می‌شود: گروه اول واقفیه بودند که به امامت امام رضا^(ع) معتقد نبوده، با تحریف روایات، معتقد به مهدی بودن امام هفتم داشتند، گروه دوم اشخاصی بودند که به فرزندان نشدن امام رضا^(ع) تا سن ۴۰ سالگی دامن می‌زدند و گروه سوم نیز سن کم امام جواد^(ع) را برای امامت بهانه کرده، امام رضا^(ع) با دلایل قرآنی و عقلی، شبهه «کودک بودن» را برطرف می‌ساختند.

امام هشتم^(ع) به فراخور زمان و مکان با گونه‌های متفاوت به پاسخ‌گویی اقدام کردند. مواردی همچون بشارت‌های امام درباره ولادت امام جواد^(ع)، معرفی و نص بر امامت جوادالأئمه^(ع) به عنوان امام بعدی، رضایت به انجام «قیافه‌شناسی» از سوی منکران، ارجاع شیعیان در امور مختلف به امام جواد^(ع)، معرفی واقفان و منکران به عنوان «کافر» و «مشرک»، طرد واقفان و قرار دادن ایشان در انزوای اجتماعی و اقتصادی، رد و انکار شبهات واقفیه با دلایل قرآنی و عقلی، از جمله گونه‌های رفتار امام با جریان‌ها و تفکرات مطرح شده در آن زمان بود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- تفصیل مطالب فوق را در کتاب فرق الشیعه و نیز کتاب زندگانی امام جعفر صادق^(ع)، ترجمه بحار الأنوار مجلسی (باب هشتم) ببینید.
- ۲- در بین فرقه‌های شیعه، واقفیان به «کلاب ممطوره» نامیده شده‌اند؛ یعنی «سگ‌های باران‌زده». این لقب به سبب سرایت خباثت ایشان به اطرافیان‌شان است. «ممطور» به کسی می‌گویند که بر موسی‌بن جعفر^(ع) وقف کند؛ زیرا واقفیان آینده هم وقفشان از همان امام آغاز می‌شود (ر.ک؛ کشی، ۱۳۶۵: ۴۶۰ و نوبختی، ۲۰۱۷: ۱۱۸). علت نامیده شدن به «ممطوره» هم در منابع متقدم آمده است.
- ۳- «قده: برای دو چیزی گفته می‌شود که مساویند و هیچ تفاوتی ندارند» (ابن اثیر جزری، بی‌تا، ج ۴: ۲۸).

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Zohreh Akhavan Moghaddam



<https://orcid.org/0000-0003-0591-4445>

منابع

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. تحقيق و تصحيح محمود محمد طناحی. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
- _____ . (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- _____ . (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل ابي طالب*. قم: نشر علامه.
- ابن عبد الوهاب، حسین. (بی تا). *عیون المعجزات*. قم: مکتبه الداوری.
- اشعری قمی، احمد بن محمد. (۱۴۰۸ ق.). *النوادر*. تحقیق مدرسه امام مهدی علیه السلام. قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. تبریز: نشر بنی هاشمی.
- امین عاملی، محسن. (بی تا). *مفتاح الجنات فی الأدعية والأعمال*. بی جا: دار احیاء علوم الدین.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۱ ق.). *حلیة الأبرار من أحوال محمد وآله الأطهار*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- _____ . (۱۴۱۳ ق.). *مدینة معاجز الأئمة الاثناعشر (الف)*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نورالله (۱۴۱۳). *عوالم العلوم و المعارف*. مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد^(ع). تحقیق و تصحیح محمد باقر مؤحد ابطحی. قم: مؤسسه الإمام المهدی^(ع).
- بهبودی، محمد باقر. (۱۳۶۳). *گزیده کافی*. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ . (۱۳۷۰). «تحقیقی درباره مذهب وقف و بررسی تاریخ واقفیه». *فصلنامه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس*. ۵، ۶، ۷.
- جزایری، نعمت الله. (۱۴۲۷). *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۲). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حرّانی، ابن شعبه. (۱۴۰۴ ق.). *تحف العقول*. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۵). *امهات المؤمنین*. لبنان: دار الأولیاء للطباعة والنشر والتوزیع.

- خصیبی، حسین بن همدان. (۱۴۱۹). *الهدایة الكبرى*. بیروت: نشر البلاغ.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۹۸۷). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شبستری، عبدالحسین. (۱۴۲۱ق.). *سبل الرشاد إلى أصحاب الأمام الجواد (ع)*. قم: المكتبة التاريخية المختصة.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۹۹۵م.). *الملل والنحل*. تحقیق علی حسن فاعور و امیرعلی مهنا. بیروت: دارالمعرفة.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان
- _____ . (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*. ۲ ج. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: چاپخانه اسلامیة.
- _____ . (۱۴۱۳ق.). *من لا یحضره الفقیه*. به تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزة علمیه.
- صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۸۸). «فرقه های درون شیعی دوران امامت امام رضا (ع)». *طلوع*. س ۸ ش ۲۸.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *أعلام الوری بإعلام الوری*. تهران: چاپخانه اسلامیة.
- طبرسی، محمد بن جریر. (۱۴۱۳ق.). *دلائل الإمامه*. قم: مؤسسه البعثة.
- طبرسی، محمد بن جریر و محمد ابوالفضل ابراهیم. (بی تا). *تاریخ الطبری*. بیروت: بی نا.
- طریحی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری. تهران: نشر مرتضوی.
- طقوش، محمد سهیل. (۱۳۹۲). *دولت عباسیان*. ترجمه حجت الله جودکی. تهران: پژوهشکده حوزة و دانشگاه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق.). *الغیبه*. تحقیق محمد حسن آقابزرگ تهرانی، علی احمد ناصح و عبدالله تهرانی. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- _____ . (۱۳۶۳). *رجال کشی*. تحقیق و تصحیح مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۷۶). *جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا از مدینه تا مرو*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عریضی، علی بن جعفر. (۱۴۰۹ق.). *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*. قم: نشر مؤسسه آل البيت
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۸۱). *چهارده نور پاک*؛ زندگی امام جواد. قم: انتشارات نوید اسلام.

علل و گونه‌های تأکید امام رضا^(ع) بر امامت جواد الاثمه^(ع): اخوان مقدم | ۱۸۲

عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۲۰۱۲ق.). *مسند الإمام الجواد عليه السلام*. بی‌جا: الأمانة العامة للعتبة الزامية المقدسه.

فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق.). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین^(ع).
قزوینی، محمد کاظم. (۱۴۲۶ق.). *الإمام الجواد من المهد إلى اللحد*. قم: منشورات لسان الصدق.
راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۹ق.). *الخراج والخراج*. قم: نشر و تحقیق مؤسسه الإمام المهدي^(عج).
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار
الکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. تحقیق جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
مسعودی، علی بن حسین. (۱۹۹۶م.). *اثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب*. قم: انصاریان.
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق.). *الارشاد*. تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت^(ع). قم: کنگره شیخ مفید.
_____ (۲۰۰۹م.). *الاختصاص*. تحقیق علی اکبر غفاری. بیروت: مؤسسه الأعلمی
للمطبوعات.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). *رجال*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفه.
مغربی، نعمان بن محمد. (۱۴۰۹ق.). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمه*. تحقیق محمد حسین حسینی جلالی.
قم: جامعه مدرسین.

نوبختی، حسن بن موسی. (۲۰۱۷م.). *فرق الشیعه*. تحقیق محمد کاظم موسوی. بی‌جا: بی‌نا.
هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای و
حسن حسن زاده آملی. تحقیق ابراهیم میانجی. تهران: مکتبه الإسلامیة.

References

- Amin Ameli, Mohsen. (ND). *Meftah al-Jannat fialA'eyat va al-Amal*. NP: Dar Ehya Oloum al-Din. [In Arabic].
- Arizi, Ali bin Jafar. (1988). *Masa'el-e Ali bin Ja'afar and Mostardakateha*. Qom: Al-e al-Bayt Publishing House. [In Persian].
- Aqighi Bakshayeshi, Abd ul-Rahim. (2002). *Chahardah Noor-e Pak; The life of Imam Javad*. Qom: Navid Islam Publications. [In Persian].
- Atarodi Ghochani, Azizullah. (2012). *Masnad-e al-Imam al-Jawad(a.s.)*. NP: al-Amatat al-'Amat lel-Atabat al-Zamiyat al-Moghadasat. [In Arabic].
- Ash'ari Qomi, Ahmad bin Mohammad. (1987). *Al-Nawader*. Research of Imam Mahdi school. Qom: Al-Imam Al-Mahdi School. [In Persian].
- Bahrani, Seyyed Hashem. (1990). *Helyat al-Abrar men Ahval Mohammad va Ale-hi al-Athar*. Qom: Mo'assesat al-Ma'aref al-Eslameyah. [In Persian].
- (1992). *Madinah Ma'ajez al-A'emmat al-Esna Ashar*. Qom: Mo'assesat al-Ma'aref al-Eslameyah. [In Persian].

- Bahrani Isfahani, Abdullah bin Nurullah (1992). *Avalem al-Oloum va al-Ma'aref. Mostadrak from Hazrat Zahra to Imam Javad (a.s.)*. Research and proofreading by Mohammad Bagher Movahhed Abtahi. Qom: Al-Imam Al-Mahdi (AS) Institute. [In Persian].
- Behboudhi, Mohammad Bagher. (1984). *Gozideh Kafi*. Tehran: Center for Scientific and Cultural Publications.
- (1991). "Research on the religion of waqf and the history of waqf". Quarterly Journal of Faculty of Human Sciences, Tarbiat Modares University. Vol. 1. No. 5, 6, 7. [In Persian].
- Erbeli, Ali ibn Eisa. (2002). *Kashf al-Ghommah fi Marefat al-A'emmah*. Research by Hashem Rasouli Mahallati. Tabriz: Bani Hashemi Publishing House. [In Persian].
- Feyz Kashani, Mohammad Mohsen. (1986). *Al-Wafi*. Isfahan: Library of Imam Amir ul-M'ominin (a.s). [In Persian].
- Harrani, Ibn Sho'bah. (1984). *Tohaf al-Oghoul*. Research and correction by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Modressin University. [In Persian].
- Hashemi Khoei, Mirza Habibullah. (2021). *Menhaj al-Bara'at fi Sharh al-Nahj al-Balaghah*. Translated by Mohammad Bagher Kamare'i and Hassan Hassanzadeh Amoli. The research of Ebrahim Meyanji. Tehran: Islamic School. [In Persian].
- Horr Ameli, Mohammad bin Hasan. (2004). *Esbat al-Hodat bel-Nosous va al-Mo'jezat*. Beirut: Al-Alami Institute. [In Arabic].
- Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad. (2004). *Ommahat al-Mo'menin*. Lebanon: Dar al-Owlia for Printing and Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Ibn Athir Jazri, Mobarak bin Mohammad. (1988). *Al-Nehayat fi Gharib al-Hadith va al-Asar*. Research and correction by Mahmoud Mohammad Tanahi. Qom: Ismailian Publishing House. [In Persian].
- Ibn Babouyeh, Mohammad ibn Ali. (1992). *Man La Yahzoroh-o al-Faghih*. Research by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary. [In Persian].
- (1999). *Oyoun-e Akhbar al-Reza*. Mehdi Lajvardi's research. Tehran: Nashr Jahan. [In Persian].
- (1946). *Elal al-Shary'e*. Qom: Davari bookstore. [In Persian].
- Ibn Abd al-Wahhab, Hossein. (ND). *Oyoun al-Mojezat*. Qom: Al-Davari School. [In Persian].
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad bin Ali. (2000). *Manaqib Al-e Abi Taleb*. Qom: Allameh Publishing. [In Persian].
- Irfanmanesh, Jalil. (1997). *The Historical geography of Imam Reza's migration from Medinah to Marv*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian].
- Jazayeri, Nematullah. (2006). *Riyaz al-Abrar fi managheb al-Aemmat al-Abrar*. Beirut: Al-Tarikh al-Arabi Institute. [In Arabic].
- Jafarian, Rasoul. (1993). *Hayat-e Fekri va seyasi Emaman Shi'e*. Tehran: Islamic Propaganda Organization. [In Persian].
- Khasibi, Hossein bin Hamadan. (1998). *Al-Hedayat al-Kobara*. Beirut: Al-Balagh Publishing. [In Arabic].

- Khatib Baghdadi, Ahmad bin Ali. (1987). *Tarikh-e Baghdad*. Beirut: Dar al-Ketab al-Alamiyah. [In Arabic].
- Koleyni, Mohammad bin Yaghub. (1987). *Al-Kafi*. Research by Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhondi. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyat. [In Persian].
- Maghrebi, Noman bin Mohammad. (1988). *Sharh ul-Akhbar fi Fazael al-A'emat*. Research by Mohammad Hossein Hosseini Jalali. Qom: Modarresin University. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1983). *Bihar al-Anvar*. Collective research of researchers. Beirut: Dar Ehyah al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Mas'oudi, Ali bin Hossein. (1996). *Esbat al-Vasiyat lel-Imam Ali ibn Abi Taleb*. Qom: Ansarian. [In Persian].
- Mostafavi, Hassan. (1989). *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Vezarat-e Farhang va Ershad-e Eslami. [In Persian].
- Mofid, Mohammad bin Mohammad. (1992). *Al-Irshad*. Research and correction of Al al-Bayt (A.S.) Institute. Qom: Sheykh Mofid Congress. [In Persian].
- (2009). *Al-Ekhtesas*. Research by Ali Akbar Ghaffari. Beirut: Al-Alami Publishing House. [In Arabic].
- Najjashi, Ahmad bin Ali. (1986). *Rejal*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute affiliated to the University of Modarresin beGhom al-Moshrafah. [In Persian].
- Nobakhti, Hasan bin Musa. (2017). *Feragh al-Shia*. Research by Mohammad Kazem Mousavi. UP: Np.
- Qazvini, Mohammad Kazem. (2005). *Al-Imam al-Jawad men al-Mahd ela al-Lahad*. Qom: Lisan al-Sadegh Manshorat. [In Persian].
- Ravandi, Saeed bin Habatullah. (1988). *Al-Khara'ej va Al-Jarayeh*. Qom: Publication and research of Imam al-Mahdi (a.s.) Institution. [In Persian].
- Sadough, Mohammad bin Ali. (1999). *Oyoun Akhbar al-Reza (a.s.)*. Mehdi Lajvardi's research. Tehran: Nashr Jahan. [In Persian].
- . (2015). *Kamal al-Din va Tamam al-Nemat*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Islameyeh Printing House. [In Persian].
- . (1992). *Man La Yahzara-ho al-Faghih*. According to the research of Ali Akbar Ghaffari. Qom: Islamic Publication Office of the Seminary. [In Persian].
- Safari Farvashani, Nematullah. (2009). "Intra-Shia sects during Imamate of Imam Reza (as)". *Tolou*. Vol. 8. No.28. [In Persian].
- Shabestari, Abdul Hossein. (2000). *Sobol al-Reshad Ela Ashab al-Imam al-Javad (a.s.)*. Qom: Al-Moktaba al-Tarikhayat al-Mokhtasah. [In Persian].
- Shahreshtani, Mohammad bin Abdul Karim. (1995). *Al-Melal va al-Nehal*. Research by Ali Hassan Fa'our and Amir Ali Mohanna. Beirut: Dar al-Marefat. [In Arabic].
- Tabari, Mohammad bin Jarir. (1992). *Dalael al-Imamate*. Qom: Al-Besat Institute. [In Persian].
- Tabari, Mohammad bin Jarir and Mohammad Abolfazl Ibrahim. (ND). *Tarikh al-Tabari*. Beirut: NP. [In Arabic].

- Tabresi, Fazl bin Hasan (2010). *Alam al-Vara bel-A'alam a-Vera*. Tehran: Islamey Printing House. [In Persian].
- Taghosh, Mohammad Sohail. (2012). *Dowlat-e Abbasid*. Translated by Hojatullah Jodaki. Tehran: Research Institute of Howza and University. [In Persian].
- Tarihi, Fakhruddin Mohammad. (1996). *Majma ul-Bahrain*. Research and correction by Ahmad Hosseini Eshkevari. Tehran: Mortazavi Publishing. [In Persian].
- Tusi, Mohammad bin Hasan. (2004). *Al-Gheybat*. The research of Mohammad Hassan Aghabozur Tehrani, Ali Ahmad Naseh and Abdullah Tehrani. Qom: Mossesat al-Ma'aref al-Eslameyat. [In Persian].
- (1984). *Rejal Kashi*. Research and correction by Mehdi Rajae'i. Qom: Al-Al-Bayt Instituten. [In Persian].



استناد به این مقاله: اخوان مقدم، زهره، (۱۴۰۲). علل و گونه‌های تأکید امام رضا(ع) بر امامت جواد الائمه(ع)، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، دوره ۴، شماره ۶، صص ۱۴۹-۱۸۵.

DOI: 10.22054/JCST.2022.69044.1088



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Kalam is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.